

## ابزارهای مورد استفاده در مجازات مجرمان در ایران سده‌های میانه

امید بهرامی نیا<sup>۱</sup>

سید احمد رضا خضری<sup>۲</sup>

**چکیده:** قبایل صحراگردی که در سده‌های میانه به ایران سرازیر شدند و چندی بعد به حکومت رسیدند، با وجود ادعای حمایت از شریعت و پاسداشت آن، در عمل و در عرصه تعامل با دیگران، به آموزه‌های اسلام دایر بر حفظ حقوق دیگران و بهویژه مخالفان پاییند نماندند. این رویکرد فقط از سوی آنان اتخاذ شد، بلکه گروههای رقیب و سایر بازیگران عرصه سیاست نیز عملاً چنین رویه‌ای را در پیش گرفتند و بدین ترتیب، حجم عظیمی از ابزارهای مجازات در منازعات سیاسی-منذهبی ایران آن زمان به کار گرفته شد. بر همین اساس، این پژوهش در بی پاسخگویی به این پرسش اصلی است که چرا و چگونه این ابزارها برای مجازات افراد مجرم و غیر مجرم به کار می‌رفت؟ نویسنده‌گان پژوهش حاضر، برای پاسخگویی به این پرسش براساس روش توصیفی-تحلیلی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای، در وهله نخست نوع و چگونگی کاربرد ابزارهای مجازات را اکاوی کرده و سپس میزان انتساب آنها با آموزه‌های شریعت و چرایی به کارگیری آنها را در دوره مورد بحث بررسی کرده‌اند.

**واژه‌های کلیدی:** ابزارهای مجازات، ایران سده‌های میانه، شیوه‌های مجازات، غزنویان، سلجوقیان

۱ استادیار گروه تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی دانشگاه پیام نور (نویسنده مسئول) omid13594@yahoo.com

۲ استاد گروه تاریخ و تمدن ملل اسلامی دانشگاه تهران Akhezri@ut.ac.ir

تاریخ دریافت: ۹۷/۱۱/۱۱ تاریخ تأیید: ۹۸/۰۶/۰۷

## The Tools Used for Punishment of Criminals in Medieval Iran

Omid Bahraminia<sup>1</sup>

Seyyed Ahmadreza Khezri<sup>2</sup>

**Abstract:** The barbarian people who came to Iran in the middle centuries, and sometime later came to power, despite the claims of protecting and respecting the Shari'a, did not adhere to the teachings of Islam in protecting the rights of others, especially the opposition, in practice. It is noteworthy that this approach was not only taken by them, and rival groups and other actors in the field of politics practically took such a course, and on that basis, a huge amount of the means of punishment in the religious political conflicts of Iran was used at that time. Therefore, this research seeks to answer the main question why and how these tools were used to punish the guilty and innocent ones! In order to answer this question, the authors, using descriptive-analytical method and using library resources, first of all investigated the type and manner of using punitive instruments, and then their degree of conformity with the Shari'a doctrines and their application in the course of the intended period were reviewed.

**Keywords:** punishment tools, Medieval Iran, methods of punishment, Ghaznavids, Seljuks

---

1 Assistant Professor, Department of history of Islamic Culture and Civilization, (Corresponding Author), Payame Noor University. Omid13594@yahoo.com

2 Professor of History of Islamic culture and Civilization in University of Tehran Akhezri@ut.ac.ir

## مقدمه

از همان ابتدای شکل‌گیری جوامع بشری، حتمیت وقوع جرم به دلیل گریزناپذیری منازعات ناشی از زندگی اجتماعی، مستلزم وجود یک نظام کیفری در تاریخ تمدن بشر بود که به عنوان یک پدیده اجتماعی، ماهیتی سیال و تحول‌پذیر داشته و ابزارهای اعمال آن در کنار فلسفه، حدود و نهادهای مرتبط با آن، پایه‌پای تحولات اجتماعی و فرهنگی، در تغییر بوده است. نخستین واکنش و تدبیر اجتماع جهت مقابله با جرم به عنوان یک رفتار خلاف هنجار، اعمال مجازات‌های بدنی و تعذیبی با جنبه‌های نمایشی بسیار قوی بود. با ایناشت تجربه جمعی زندگی بشر و پیچیده‌تر شدن ساختار اجتماع، تعمیق کشمکش‌های مبتنی بر تفاوت و تعارض منافع انسان‌ها و گستردگی دامنه خشونت‌های ناشی از آنها، به تدوین و شکل‌گیری انواع سامان سیاسی (حکومت) به عنوان «شر ضروری» برای رفع و یا کاهش کشمکش‌ها منجر شد و بر این اساس، نه تنها در جرم‌انگاری، بلکه در اعمال مجازات و همچنین انتخاب ابزار متناسب با آن، اراده حاکمان اجتماع به عنوان صاحبان اقدار برتر و پیشگامان قانون‌های کیفری، تعیین کننده اصلی شد. در این میان، با وجود بهره‌مندی حقوق یونان و روم باستان از مجازات‌هایی دیگر، در ایران باستان این مجازات‌های بدنی بود که بازیگران اصلی نمایش مجازات بودند و مقامات حکومتی با به کارگیری ابزارهای متناسب با هولناک‌ترین و خشن‌ترین مجازات‌ها، مغضوبان را به کیفر می‌رسانندند.

با ظهور اسلام، جهت‌گیری اصلی قرآن در تأکید بر کرامت ذاتی انسان (اسرا: ۷۰، آزادی انتخاب دین (یونس: ۹۹؛ بقره: ۲۵۶؛ کهف: ۲۹)، عدم نیاز به همدینی در همزیستی (نساء: ۹۰؛ بقره: ۱۹۰؛ ممتحنه: ۸) و لزوم پاسداشت جان و حق حیات انسان‌ها (انعام: ۱۵۱؛ مائد: ۳۲)، عمل‌آبر اعمال بسیاری از مجازات‌ها و کاربرد ابزارهای متناسب با آنها خط بطلان کشید و اگر در چند استثنای قصاص (بقره: ۱۷۸؛ مائد: ۳۲) و محاربه (مائد: ۳۳) و نیز زنا (نور: ۲) و قذف (نور: ۴) برخی از ابزارهای متناسب با آنها همچون شمشیر، دار اعدام و تازیانه را به کار گرفت، با تأکید و تشویق بر عفو (مائده: ۴۵)، انحصر مجازات قصاص امضا شده در ادیان پیشین و سنت عرب جاهلی رالغو کرد و با تعیین شروط تحقق جرم محاربه و اتخاذ رویکرد تضییقی و فراسایشی در جرم‌هایی چون شرب خمر و تعیین شروط عمل‌آبر ممکن در اثبات زنا و قذف، دایرۀ شمول کاربرد این ابزارها را بازهم تنگ‌تر کرد. عملی شدن این رویکرد توسط پیامبر و

پرهیز وی از ورود به مسائل و وقایع جزائی و جنبه‌های ماهوی عدالت کیفری و تصدی ابعاد شکلی این نظام و عدم توسل به نهادها و تدابیر سرکوبگر کیفری جهت سلطنت بر اوضاع و تشییت و بقای قدرت سیاسی، با وجود رویکرد عملی دیگر حکمرانان گذشته و معاصر خود، مؤید محدودیت بُعد کیفری کتاب و سنت است. گسترش جغرافیایی اسلام در ایران از طریق فتح تغلیبی با هیئت قبایلی و ذهنیت اعرابی، پس از پیامبر و نزدیک شدن شیوه حکومتی خلافت را شده به الگوی «سلطنه» ایرانی در عصر اموی، در کنار دیگر علل و دلایلی که موضوع این نوشتار نیست، روند فوق را در کل و بهویژه در ایران موضوع این نوشتار، اگر نگوییم متوقف، بلکه منحرف کرد و با تشییت این الگو در عصر عباسیان و سربرا آوردن قدرت‌های نیمه مستقل ایرانی، الغای نظریه شاهنشاهی در دیدگاه اسلامی، در ایران نه تنها لباس واقعیت نپوشید که توجیه دینی نیز پیدا کرد و آموزه‌های محدود کننده این الگو را نیز بستر قدرت مطلقه به حاشیه راند. ضربه نهایی بر این میراث را قدرت‌گیری ترکانی وارد کرد که از سال‌ها قبل در ساختار سیاسی نفوذ کردند و با تشییت جایگاه، موفق به تشکیل سلسه‌هایی شدند که به دلایلی همچون وجود هرج و مرج و نفاق در مناسبات خانوادگی، به کارگیری نیروهای مزدور، ساخت اقتدار ایلی و ساقه بندگی و بهره‌گیری از انواع ابزارهای کیفر، تجربه حکمرانی‌شان به دوره «قتل و غارت و نالمی» توصیف شده است.

با وجود حضور دیرین و پرنگ نهاد مجازات در تاریخ بشر و نیز با وصف سیر تحول نظام‌های کیفری همگام با تحولات تاریخی و تجدید نظر در رویکرد غالب بر تاریخ‌نگاری سنتی، تا آنجا که جستجو شد، در میان پژوهش‌های انجام گرفته در حوزه ایران سده‌های میانه، مسئله تحول نظام‌های کیفری و بهویژه ابزارهای آن، مد نظر پژوهشگران نبوده است و بر این اساس، این مقاله با روش توصیفی- تحلیلی و با بهره‌گیری از منابع، مأخذ و پژوهش‌های موجود، بر شناسایی و کاربرد ابزارهایی که در مجازات‌های معطوف به تحقق اهداف سیاسی<sup>۱</sup> به کار گرفته شده‌اند، تمرکز کرده و ابزارهایی به کار گرفته شده در این حوزه را از حکومت

<sup>۱</sup> گفتی است که هم در این مقام و هم در بحث ابزارها، جنگ با قوانین و الزامات و ابزارهای خاص خودش از دایرۀ بحث خارج است.

<sup>۲</sup> برخلاف مناطقی همچون جنوب شرقی آسیا که عمدتاً از طریق بازرگانان و مبلغان مسلمان و طی فرایند فرهنگی آرام و از طریق فتح قلبی / ایمانی انجام شده، جهت تفصیل مطلب، ن. ک: آیینه‌نوند، ۱۳۷۹: ۲۸-۴۹.

<sup>۳</sup> پیداست که با چنین تعریفی، دیگر اقسام مجازات و به عنوان نمونه مجازات‌هایی که جنبه تعزیری داشته و معطوف به اجرای احکام شریعت‌اند، از دایرۀ شمول این موضوع خارج‌اند.

غزنویان تا حملهٔ مغول، به شرح ذیل برشمرده و کاربرد عملی آنها در این بستر تاریخی را بررسی و در پنج دستهٔ ذیل بیان کرده است:

### ۱. ابزارهای ساخته شده برای مجازات

اینها ابزارهایی‌اند که از روز نخست برای مجازات مجرمان و غیر مجرمان ساخته شده و در طول تاریخ از سوی افراد مختلف، خاصهٔ حکومتگران به کار گرفته شده است. از این‌رو هرگاه نامشان بر زبان آورده شود، نخستین مفهوم و اولین معنایی که در ذهن شنونده متبدادر می‌شود، همانا استفاده ابزاری از آنها برای مجازات است. **أَهْمَّ** این ابزارها عبارت است از:

#### ۱-۱. دار اعدام

طنابی بر ستون و یا درختی وصل می‌کردند و دو طرف آن را آزاد می‌گذاشتند و طرف دیگر را حلقه می‌کردند و در گردن مجرم/متهم اغلب دست و پا بسته می‌انداختند و از طرف دیگر می‌کشیدند که به دلیل فشار و سنگینی تنه، فرد پس از تحمل درد و زجری فراوان خفه می‌شد. گاه طناب، ثابت بود و فرد را بر جسمی می‌نشاندند و طناب دار را بر گردنش می‌انداختند و جسم را به سرعت از زیر پایش می‌کشیدند که در این حالت سریع خفه می‌شد و زجر کمتری را تحمل می‌کرد (خلیلی، ۱۴۷-۱۴۸؛ ۱۳۵۹). با وجود تفاوت شیوه اجرا، به علت تشابه لفظی که برای هر دو به کار رفته، دار زدن در بیشتر موارد با شیوه اعدام مصلوب کردن، خلط شده و در نتیجه تفکیک آنها از هم دشوار است (همان، ۱۲۵). دار اعدام از کهن‌ترین ابزارهای به کار رفته در تاریخ بشری است که در تمدن‌های کهن (کلاتری، ۱۳۷۵؛ ۲۲؛ دورانت، ۱۳۷۲؛ ۱۹۳) به‌ویژه در قرون وسطی برای مجازات طبقات پایین جامعه (ماری کربس، ۱۳۹۵؛ ۴۱) و در غرب تا سده نوزدهم (گیدنر، ۱۳۷۹؛ ۱۵۴) به کار می‌رفته و یکی از ابزارهای مجازات جرم محاربه در قرآن است (مائده: ۳۳). دار اعدام از محدود ابزارهایی است که همگام با سیر تحول نظامهای کیفری در تاریخ پیش رفته است و به عنوان یکی از شیوه‌های مختلف اعدام در جهان امروز هم به کار گرفته می‌شود.<sup>۱</sup>

دار، یکی از پرکاربردترین ابزارها در عصر غزنوی بود و سبکتگین (حکومت: ۳۶۶-۳۸۷) افرادی چون عامل بُست (بیهقی، ۱۳۸۹؛ ۶۷۴/۲) و علی قلانسی متهم به الحاد (قزوینی، ۱۳۵۸)

<sup>۱</sup> برای تفصیل مطلب درباره شیوه‌های دیگر، ن.ک: آنسل، ۱۳۵۰؛ ۵۰-۵۷

(۳۱۳) را با آن اعدام کرد و سلطان محمود (حکومت: ۳۸۸-۴۲۱) نیز جان سفیر توطئه گر دربار خوارزم (بیهقی، ۱۳۸۹: ۳۸۹/۱۱۰) ، ترکمنان غارتگر سلجوقی (شبانکارهای، ۱۳۸۱: ۲/۸۰)، شماری از علمای شیعه (قزوینی، ۱۳۵۸: ۴۲) و نیز اسماعیلیه ری (ابن‌جوزی، ۱۴۱۲: ۱۵/۱۹۶؛ ابن‌اثیر، ۱۴۲۲: ۷۱۱/۷) را با آن ستاند. در این دوره به جز سلاطین، منصوبان آنان نیز از این ابزار بھر گرفتند؛ برای مثال، کارگزاران سلطان مسعود غزنوی (حکومت: ۴۲۱-۳۴۳)، مهاجمان به دو شهر مهم ری (بیهقی، ۱۳۸۹: ۱/۳۶) و نیشاپور(همان، ۲/۵۴) و خود سلطان نیز حسنک وزیر(شبانکارهای، ۱۳۸۱: ۲/۱۵۲)، ترکان غز (ابن‌اثیر، ۱۴۲۲: ۷۱۶/۷) و حکمران منصوب سلاجقه در جوزجان(همان، ۸/۱۲) را با آن مجازات کردند. غزنویان بعدها در دفاع از کیان و وجهه خود، همین ابزار را برای مجازات غوریان مهاجم به غزنه به کار گرفتند و سیف الدین سوری و وزیرش مجدد الدین موسوی را در ۴۳۵ق دار زدند (جوزجانی، ۱۳۶۳: ۱/۳۹۵).

در عصر سلجوقی نیز این وسیله در منازعات فرقه‌ای کاربرد بسیاری داشت و از مهم‌ترین ابزارهای مجازات اسماعیلیه بود و شماری از خود آنان (قزوینی، ۱۳۵۸: ۳۱۴) و نیز تعدادی از رجال حکومتی متهم به ارتباط با آنان، از جمله سعدالملک آبی، وزیر غیاث الدین محمد (حکومت: ۴۹۸-۱۱) بدین وسیله جانشان ستانده شد (ابن‌جوزی، ۱۴۱۲: ۷/۱۰۰؛ راوندی، ۱۳۶۶: ۵۲۹-۵۴۷). ابوالفتح مسعود (حکومت: ۱۳۵۸-۵۲۹) از همین ابزار برای اعدام معترضان به رویکرد ضد اشعری اش در ۴۰۵ق در ری بھر گرفت (قزوینی، ۱۳۵۸: ۱۳۵۸-۱۴۲). مادامی که مسلمانان مقید به آموزه‌های شرع، چنین بی‌پروا بدین ابزارها متول می‌شدند، غزهای نامسلمانی که چند سال بعد بلاد خراسان را در نور دیدند و منع نظری در توسل به آنها نداشتند، در میان ابزارهای خشنی که برای کشtar به کار می‌گرفتند، شمار زیادی از علماء، سادات و قضات این منطقه را در ۵۴۸ق با همین وسیله اعدام کردند (قزوینی، ۱۳۵۸: ۴۳؛ سمعانی، ۱۳۹۵: ۱/۸۶-۸۸). از آنجا که «خوی حاکم در رعیت جا و چرخ اخضر خاک را خضرا» می‌کند، حکمرانان محلی منصوب سلجوقیان نیز برای تحکیم موقعیت خود، همین ابزار را به کار گرفتند؛ و ایل ارسلان خوارزمشاه (متوفای ۵۶۷ق) یکی از غلامان حکمران ری را که بدو پناه برد بود، دار زد (ابن‌اثیر، ۱۴۲۲: ۹/۳۴۷-۳۴۸) و فرمانده سپاه اعزامی حکمران خوزستان، جان قاضی و

۱ جهت تفصیل درباره دیگر دیوانیان اعدام شده با این ابزار، ن.ک: قمی، ۱۳۶۳: ۱۰/۱؛ ابن‌اثیر، ۱۴۲۲: ۸/۵۹۲؛ بنداری، ۱۳۹۵: ۸۸.

بزرگان شهر نهادند (همان، ۳۸۴-۳۸۳/۹) را با این وسیله ستاند و قزلارسلان ایلدگزی (حکومت: ۵۸۱-۵۸۷) نیز برای اعدام بزرگان شافعیان اصفهان (همان، ۱۰۳/۱۰) از این وسیله بهره گرفت. همچنین طغل سوم (حکومت: ۵۷۱-۵۹۰) در مقام واپسین پادشاه سلجوقی، یکی از سرداران شورشی خود را با همین ابزار اعدام کرد (نظام حسینی یزدی، ۱۳۸۸: ۱۵۳-۱۵۱).

در این دوره برخلاف آئین‌های مدرن اعدام، کشنن بدین ابزار برای همه یکسان نبود و شیوه و مکان اجرای آن تابعی از جایگاه مجرم، جرم ارتکابی و هدف مورد نظر برای اجرای مجازات بود (فوکو، ۱۳۸۷: ۲۱). بر این اساس، گاه مجرم به صورت وارونه (بیهقی، ۱۳۸۹: ۶۶۰/۲)، در برابر مدفن افراد (جرفاذقانی، ۱۳۸۲: ۳۷۶؛ ابن‌اثیر، ۱۴۲۲: ۶۱۲-۶۱۱/۷)، بر باروی شهرها (همان، ۷۵۷/۷)، در بارگاه سلطنتی (راوندی، ۱۳۷۸: ۱۲۰/۹)، بر درخت (بیهقی، ۱۳۸۹: ۶۵۹/۲؛ مجھول المؤلف، [بی‌تا]: ۴۰۴؛ قزوینی، ۱۳۵۸: ۳۱۳)، بردر مدرسه محل تدریس (خواندمیر، ۲۵۳۵: ۲۰۵)، بر فراز پل (جوزجانی، ۱۳۶۳: ۳۹۵/۱)، بر دروازه شهرها (بیهقی، ۱۳۸۹: ۶۷۳/۲) و کنار مصلی (همان، ۲۳۳/۱) به دار آویخته می‌شد و در برخی مواقع نیز از آن برای به نمایش گذاشتن سرهای معدومین استفاده می‌شد (همان، ۶۵۴/۲).

## ۱-۲. سم

از ابزارهای مهم کیفری است که امروزه هم کاربرد دارد. در گذشته، بیشتر سموم گیاهی و معدنی و امروزه سموم شیمیایی یا بیولوژیک یا گازهای سمی برای کشنن افراد به کار می‌رود (خلیلی، ۱۳۵۹: ۱۰۵). در ایران باستان (ن. ک: همان، ۱۰۸-۱۰۶) و در تاریخ اسلام هم استفاده شده و به ویژه معاویه (حکومت: ۴۱۰-۰۴) به کاربرد آن مشهور است (بیضون، ۱۴۱۹: ۱۴۱۹). استفاده از این ابزار، تابعی از شرایط و جایگاه مجرم و هدف از مجازات بود و بر این اساس، گاه جداگانه و مستقل و گاه نیز در ترکیب با دیگر ابزارهای مجازات به کار گرفته می‌شد. به عنوان ابزاری مستقل، در عصر غزنوی «بن‌فورکِ متکلم» در ۴۰۶ (زرباب خوبی، ۱۳۷۵: ۴۱۸/۴) و در عصر سلجوقی نیز سلیمانشاه (حکومت: ۵۵۶-۵۵۴) در ۵۵۶ (زرباب خوبی، ۱۳۷۵: ۴۱۸/۴) و در بن‌داری، ۲۷۹/۹: ۳۵۵) و ابوالقاسم مظفر جوینی پسر امام‌الحرمین (شفیعی کدکنی، ۱۳۷۶: الف، ۶۷۵/۲) با آن کشته شدند. در ترکیب با دیگر ابزارها، با وجود عدم گزارشی درباره استفاده از آن در تیر زهرآلود (فخر مدبیر، ۱۳۶۴: ۲۴۳)

در دوره سلجوقی، در قالب شمشیر زهرآلود، مخالفانی چون فضاد مخصوص غیاث الدین محمد سلجوقی در ۵۰۰ق (نیشابوری، ۱۳۹۰: ۴۱) با آن مجازات شدند. در شیوه خوراندن، با ریختن آن در سبوی آب جمال‌الملک پسر نظام‌الملک طوسی، در ۴۷۵ق جانش را ستاندند (ابن‌اثیر، ۱۴۲۲: ۲۸۲/۸؛ بنداری، ۲۵۳۶: ۸۳) و با فروزن آن به شربت، کسانی چون قاورد در ۴۶۵ق (نیشابوری، ۱۳۹۰: ۳۰؛ راوندی، ۱۳۶۶: ۱۲۷)، ملک‌الجیال غوری در دربار غزنه در ۵۴۳ق (جوزجانی، ۱۳۶۳: ۳۳۶/۱)، ارسلانشاه سلجوقی (حکومت: ۵۵۶-۵۷۱ق) در ۵۷۱ق (نظام‌حسینی یزدی، ۱۴۹: ۱۳۸۸) و قتبه‌خاتون یزدی همسر طغrel سوم، در ۵۸۸ق (مستوفی، ۱۳۸۷: ۴۶۸) با آن کشته شدند.

### ۳-۱. چوب نوک‌تیز

فروکردن تیرهای چوبی نوک‌تیز به بدن، یکی از شیوه‌های کیفری آشوریان (۹۳۴-۹۰۰ق) بود (میران، ۱۳۵۳: ۱۹۷). البته در موضوع این پژوهش، این ابزار، کاربری مستقیم کیفری نداشته است و به صورت غیرمستقیم در اهداف تبعی مجازات (ترذیل و ترهیب)، در عصر غزنوی ابزار نمایش سرهای معذومان بود و «نوشتگین خاصه» شحنة مرو، در ۴۲۶ق سرهای ترکمنان را بر آن نصب کرد و به نمایش گذاشت (بیهقی، ۱۳۸۹: ۶۴۲) و ففاداران به غزنویان نیز در ۴۴۴ق. سر طغrel حاجب را بر آن نهادند و در محلات غزنه گردانند (جوزجانی، ۱۳۶۳: ۲۳۶/۱).

### ۴-۱. میل آهنی

به رغم عدم وجود گزارشی دال بر استفاده از ابزارهای دیگری چون کافور (بیهقی، ۱۳۸۹: ۱/۲۳۶؛ مستوفی، ۱۳۸۷: ۱۹۰-۱۹۲)، خنجر (خلیلی، ۱۳۵۹: ۲۲) و روغن گداخته (کریستین سن، ۱۳۸۸: ۲۲۲) برای مجازات کور کردن، میل آهنی در این دوره به تنها ابزار اعمال این مجازات برای فرادستان سیاسی و بهویزه شاهزادگان تبدیل شد. در عصر غزنوی از پادشاهان، امیر محمد در ۴۲۲ق (مستوفی، ۱۳۸۷: ۳۹۷)، از شاهزادگان، برادران ارسلانشاه (حکومت: ۵۰۸-۱۲۵ق) در سال نخست حکومت اوی (ابن‌اثیر، ۱۴۲۲: ۸/۴۰۴) و از وزرا ابوسهل خجندی (خواندمیر، ۱۴۶: ۲۵۳۵) در حکومت ابراهیم (حکومت: ۴۵۱-۴۹۲ق) با این ابزار مجازات و از نعمت بینایی محروم شدند. در عصر سلجوقی نیز این وسیله، ابزار انحصاری کور کردن بود و از

شاهزادگان<sup>۱</sup> دو پسر قاوردیگ در ۴۶۵ق (نیشابوری، ۱۳۹۰: ۳۰؛ راوندی، ۱۳۶۶: ۱۲۷)، از دیوانیان ابن بهمنیار در ۴۷۴ق (ابن جوزی، ۱۴۱۲: ۲۱۶/۱۶) و از امراء نظامی، امیر آیتگین در ۴۹۵ق (ابن اثیر، ۱۴۲۲: ۴۶۴/۸؛ مستوفی، ۱۳۸۷: ۴۴۳) با این ابزار نایبنا شدند. گفتنی است که کاربری دیگر این ابزار -البته در اندازه‌ای بزرگ‌تر- حمل سر بریده شده معدومان با آن بود و مسعود غزنوی سردار عاصی اش «احمد یالتگین» را بر آن نهاد و در شهرها گرداند (گردیزی، ۱۳۶۳: ۴۳۱).

#### ۱-۵. چهارمیخ

چهارمیخ از ابزارهای پرکاربرد مجازات از دوران باستان بوده است (دورانت، ۱۹۳: ۱۳۷۲، ۱۹۳). برای استفاده از این ابزار، دست و پای مجرم را از چهار جانب کشیده و هر یک را به میخ، خواه بر زمین و خواه بر دیوار و یا تخته می‌کوبیدند (خلیلی، ۱۳۵۹: ۱۵۴). غلتک میخ‌دار «ابن زیات» وزیر واقع عباسی، برای اقرار گیری و شکنجه (یضون، ۱۴۱۹: ۲۰۷-۲۰۸) مؤید کاربرد کیفری میخ در تاریخ اسلام است. در عصر غزنوی، حسن مؤدب از مریدان ابوسعید ابوالخیر، توسط ترکمنان سلجوقی (ابن منور، ۱۳۷۶: ۱۰۷/۱) و در عصر سلجوقی، یوسف خوارزمی قاتل آل بارسلان، در ۴۶۵ق (راوندی، ۱۳۶۶: ۱۵۸؛ بندرانی، ۲۵۳۶: ۵۴) و مردم اصفهان در سردادهای اسماعیلیه در ۴۹۴ق (نیشابوری، ۱۳۹۰: ۴۱؛ نظام حسینی یزدی، ۱۳۸۸: ۷۶-۷۴) با این ابزار شکنجه شدند.

#### ۱-۶. تازیانه

تازیانه که از بی‌گاو (کرستین سن، ۱۳۸۸: ۲۲۲)، ریسمان یا چرم و یا دسته‌ای چوب و غیر آن ساخته می‌شد، یکی از ابزارهای مجازات در درگاه پادشاهان و حکومتگران بود (انوری، ۲۵۳۵: ۲۲۱) که از قدیم‌الایام به کار گرفته می‌شد و هنوز هم در قوانین جزائی برخی دولتها کاربرد دارد. نظام کیفری اسلام از این ابزار برای مجازات جرم‌هایی در حوزه روابط جنسی و شرب خمر (جزیری، ۱۴۲۲: ۱۲۵۴) بهره گرفته است. تازیانه از ابزارهای رایج در دربار غزنوی بود و

<sup>۱</sup> جهت تفصیل مطلب درباره دیگر اعضای سلطنتی مجازات شده با این ابزار، ن.ک: ذهبی، ۱۴۱۳: ۲۱/۳۲؛ بندرانی، ۲۵۳۶: ۰۰۲؛ ابن اثیر، ۱۴۲۲: ۲۹۳/۸ و ۴۰۹.

<sup>۲</sup> پیداست که این نوشتا، معطوف به بررسی کاربرد آن به عنوان «ضرب» در مقام ابزاری جهت دستیابی به هدفی سیاسی است، نه «جلد» به عنوان یک کیفر مشروع و قانونی دارای اعتبار ذاتی.

سلطان مسعود در ۴۲۲ق بوالفتح حاتمی، مشرف بلخ (بیهقی، ۱۳۸۹: ۴۵۷/۲) و دو سال بعد یکی از غلامان (همان، ۵۱۱/۲) و نیز رئیس نگهبانان دربار و خمارتگین ترشک، حاجب سرای (همان، ۶۰۰/۲) را تازیانه زد. در عصر سلجوقی نیز هواداران خواجه عبدالله انصاری (متوفی ۴۸۱ق) در ۴۷۸ق. یکی از متکلمان مخالف وی را در هرات با همین ابزار شکنجه کردند (ابن جوزی، ۱۴۱۲: ۲۴۱/۱۶).

#### ۱-۷. عقایین

این وسیله از ابزارهای شکنجه در دوره غزنویان و مشتمل بر دو چوب بود که مقصراً بر آنها می‌بستند و به دار می‌کشیدند یا تازیانه می‌زند (عمید، ۳۷۴؛ ۱۷۲۲/۳؛ پادشاه، ۱۳۶۳: ۲۹۶۴/۴). محمود غزنوی در بازار غزنی، مظفرین طاهر عامل فوشنج را با آن مجازت کرد (شبانکارهای، ۱۳۸۱: ۶۱/۲-۶۲) و سلطان مسعود نیز در ۴۲۵ق بوالظفر حبسی، صاحب برید ری را به عقایین کشید و تازیانه زد (بیهقی، ۱۳۸۹: ۶۶۵/۲).

#### ۲. ابزارهای مورد استفاده در مجازات

اینها ابزارهایی‌اند که معطوف به کارکردهای دیگرند و از روز نخست برای استفاده‌های دیگر در زندگی روزمره بشر به کار گرفته شده و به صورت مستقیم برای اعمال مجازات ساخته نشده‌اند، اما با توجه به افزایش ستیزها و نزاع‌های این دوره، به شرح ذیل کاربرد کیفری پیدا کرده‌اند:

#### ۲-۱. آتش

با وجود کاربرد گسترده‌آن در تمدن‌های دنیای باستان (نوروال و روتمن، ۱۳۹۰: ۵۵؛ ماری کربس، ۱۳۹۵: ۲۰)، به دلیل تقدیش نزد زرتشیان در ایران باستان، به صورت مستقل به عنوان ابزار مجازات<sup>۱</sup> به کار نرفت (خلیلی، ۱۳۵۹: ۱۷۱). طرفه آنکه با وجود مخالفت صریح پیامبر با آن (بخاری، ۱۴۲۳: ۷۴۳)، هم توسط ابویکر (حکومت: ۱۱-۱۳) به کار گرفته شده (حناشی، [بی‌تا]: ۵) و هم در مجازات جرم لواط، از سوی برخی فقهاء تجویز شد (جزیری، ۱۲۱۷: ۱۴۲۲).

<sup>۱</sup> گفتنی است در ایران عصر هخامنشی و ارپایی قرون وسطی، در دادرسی‌های مبهم و مشکل، در مجازات ور (اردالی) به عنوان ادله اثبات دعوا خواهان و خوانده را به شیوه‌هایی می‌آزمودند و برنده این آزمایش‌ها را محق می‌دانستند؛ که گذر از آتش یکی از مهم‌ترین شیوه‌ای این آزمایش‌ها بود (ن.ک: احتشام، ۲۵۳۵: ۹۸).

به جز کاربرد آن در مجازات‌هایی چون ممهور کردن مخالفان مذهبی و میل کشیدن چشم، در ایران عصر غزنوی ابزار کاربردی چندان مستقلی نبوده است و در عصر سلجوقی، به جز سوزاندن مدافعان دژ شهر «اگاک لال» (در گرجستان فعلی) توسط آل ارسلان (ابن اثیر، ۱۴۲۲: ۸/۱۹۵؛ حسینی، ۱۳۸۰: ۷۲)، از خشن‌ترین ابزارهایی بود که در منازعات فرقه‌ای به کار گرفته شد. همچنین توسط اسماعیلیه برای مجازات امامی زیدی در گیلان (همدانی، ۱۳۸۷: ۱۳۹) و نیز در مقیاسی بیشتر بر ضد خودشان به کار رفت و شمار زیادی از آنان به انتقام شکنجه و کشتار مردم اصفهان، در این شهر سوزانند شدند (نیشابوری، ۱۳۹۰: ۴۱؛ ابن اثیر، ۱۴۲۲: ۴۵۰/۸). کاربری کیفری این ابزار در این دوره، محدود به زندگان نبود و شدت کینه و دشمنی، حتی مدافعان را هم از آن مصون نگذاشت و علاء الدین حسین غوری (حکومت: ۵۴۵-۵۵۶ق) در نخستین سال حکومتش بدون توجه به اصل شخصی بودن مسئولیت و تصریح قرآن به آن، در انتقام خون برادرش، شماری از سلاطین غزنوی را نبیش قبر کرد و استخوان‌هایشان را سوزاند (جوز جانی، ۱۳۶۳: ۱/۳۴۴). در جایی که منع شرعی توانست سد راه توسل به چنین ابزاری در جامعه اسلامی شود، سه سال بعد، غزان نامسلمانی که منع در به کار گیری آن نداشتند، در حمله به خراسان، هم نیشابوریان پناه گرفته در منارة مسجد شهر را طعمه حریق کردند (ذهبی، ۱۴۱۳: ۳۷/۳۱۰) و هم بسیاری از علمای خراسان را به شکنجه سوزانندند (همان، ۱۳۹۵: ۳۵۴؛ سمعانی، ۱۳۹۵: ۱/۴۲۲، ۱۰۶/۲، ۱۴۸؛ ابن منور، ۱۳۷۶: ۳۸۰/۱؛ ۳۸۴) در جایی که منع شرعی توانست سبکی، ۱۹۶۴: ۷/۱۵۴). البته شدت تنش‌های فرقه‌ای و فروکاستن دین به ابزار هویتی باعث شد که مسلمانان حتی در شکنجه‌ای فجیع تراز این ابزار بهره بگیرند و در ۵۵۲ق. یک علوی در نیشابور پخته شد (ابن اثیر، ۱۴۲۲: ۹/۲۴۵) و فوران خشم محمد خوارزمشاه (حکومت: ۵۹۶-۱۷عق) نیز منجر به صدور فرمان کباب کردن یکی از کارگزارانش بر سیخ شد (خواندمیر، ۲۵۳۵: ۲۳۴-۲۳۵).

## ۲-۲. چاه

سابقه کاربری کیفری آن به ایران پیش از اسلام برمی‌گردد و در عصر ساسانی، مزدک و پیروانش در چاه زنده به گور شدند (خاتمی، ۱۳۷۸: ۳۴۹). چاه از جمله ابزارهایی است که در ستیزه‌های فرقه‌ای عصر سلجوقی به کار رفت؛ و اسماعیلیان نزاری، سینیان اصفهان را در چاهی که برای مجازات حضر کرده بودند، افکندند (ابن اثیر، ۱۴۲۲: ۸/۴۵۰) و در واکنش به این اقدام، اصفهانیان نیز در ۴۹۴ق چاههایی حضر کردند و در آنها آتش برافروختند و پیروان آن فرقه را

به صورت انفرادی و دسته دسته در آنها افکندند (همانجا).

### ۳-۲. حمام

در ادوار مختلف تاریخ ایران و بهویژه در دوره پس از اسلام، این جلوه‌گاه معماری ایرانی-اسلامی، صرفاً مکانی برای نظافت و تطهیر نبود و با توجه به ظرفیت‌ها و ویژگی‌های خود، کارکردهای متنوع اجتماعی و حتی سیاسی داشته است. قتل مرداویج بنیان‌گذار سلسله زیاریان در ۳۲۳ق از مشهورترین کاربری‌های کیفری این مکان در تاریخ ایران پس از اسلام است (همان، ۳۵/۷). این ابزار به عنوان یکی از ابزارهای کیفری در مجازات زنان نیز به کار گرفته شد و علاءالدین حسین غوری در ۴۵۵ق زنان دخیل در خوارداشت برادرش در غزنه را در حمام زندانی و با بستن منافذش، با بخار آب خفه کرد (همان، ۱۹۰/۹).

### ۴-۲. بازار

با توجه به بسیاری آمد و شد افراد جامعه از طبقات گوناگون در بازار، این نهاد عملکردی مانند یک مرکز بزرگ اطلاع‌رسانی امروزی داشت و نقش بازارهای سنتی ایران در تقویت همبستگی اجتماعی، آنها را به یکی از مهم‌ترین مکان‌های حل و فصل اختلافات، اجرای احکام و تصمیمات مهم تبدیل کرده بود. استفاده از بازار و دیگر مکان‌های عمومی برای مجازات مجرمان در دوره مورد مطالعه، امری شایع بود؛ چنان‌که هم در ایران باستان (احمدی، ۱۳۴۶: ۶۳) و هم در فرهنگ غزه‌های پیشاسلام (مشکور، ۱۳۴۹: ۱۳۴۴) سابقه داشته است. در تاریخ اسلام، به جز گرداندن مرتکبان جرم «قوادی» در شهرها (صلاحی، ۱۳۸۶: ۱۰۰)، دستور عبدالملک مروان (حکومت: ۶۵-۶۶ق) به عاملش در مدینه مبنی بر گرداندن مخالفان در بازار (دینوری، ۱۳۸۸: ۲۸۱)، مؤید کاربری کیفری آن است و از آنجا که به دنبال گروش ایرانیان به اسلام، فرهنگ کیفری ایرانیان نیز از نظام کیفری مسلمانان تأثیر پذیرفت، در این دوره نیز در عین کاربرد کیفری، منحصر به شیوه خاصی نبود و مجازات‌های مختلفی در آن اجرا شد. در حکومت غزنویان در مجازات‌هایی چون کشاندن جسد قائد منجوق، رهبر قیله ترک «کُجات» در ۴۲۲ق (بیهقی، ۱۳۸۹: ۴۶۳/۲) و عبدالجبار وزیر دربار در ۴۲۶ق (همان، ۱۱۱۹/۳)، گرداندن سیف‌الدین سوری و وزیرش مجdal الدین در ۵۴۳ق برای تحریر آنان (ابن‌اثیر، ۱۴۲۲: ۱۸۹/۹-۱۹۰) و در عصر سلجوقی در کشاندن جسد ابوطاهر نجار (همان، ۴۴۹/۸) و سوزاندن دو اسماعیلی (راوندی، ۱۳۶۶: ۱۵۷-۱۵۸) و گرداندن ابن عطاش (ابن‌اثیر، ۱۴۲۲: ۵۴۱/۸) و دار زدن سعدالملک (همان، ۵۴۸/۸) و زین‌الملک قمی (همان، ۵۹۲/۸) و

نمایش جسد طغول سوم (همان، ۱۲۷/۱۰؛ نظام حسینی یزدی، ۱۳۸۸: ۱۵۵)، به کار گرفته شد.

## ۵. طناب

نوعی نوار منسوج و تسمه‌مانند بود که بهویژه در زندگی چادرنشینی عشایری، برای مصارف گوناگون در اندازه‌های بلند، متوسط و کوتاه باقیه می‌شد. با توجه به سرازیر شدن گروههای متعدد تر کان چادرنشین به ایران در این دوره، این وسیله یکی از کاربردی‌ترین ابزارهای زندگی روزمره چادرنشینی بود. در ایران عصر ساسانی (۵۱-۲۲۴) برای آویختن پوست از کاه انباشته شده مجرمان بر دروازه شهر (یانی، ۱۳۷۹: ۵۰) به کار می‌رفت. در این دوره به جز کاربرد آن برای دار اعدام، خود نیز به صورت مستقل به عنوان ابزار خفه کردن به کار گرفته می‌شد و در عصر غزنوی، حسنک وزیر در ۴۲۲ ق. پیش از به دار کشیده شدن (یقه‌ی، ۱۳۸۹: ۲۳۵/۱) و در عصر سلجوقی گوهرخاتون همسر غیاث الدین محمد در ۱۱ ق (بنداری، ۱۳۵: ۲۵۳۶) با آن خفه شدند. کشاندن جسد معدومان در شهرها، از دیگر کاربری‌های کیفری این ابزار بود که در عصر غزنوی جسد دو تن از دیوانیان دربار خوارزم به نام‌های «قائد منجوق» (یقه‌ی، ۱۳۸۹: ۴۶۲/۲) و «عبدالجبار» (همان، ۱۱۱۹/۳) و در حکومت ملکشاه سلجوقی جسد ابوطاهر نجار اسماعیلی‌منهض با آن در سطح شهر کشیده شد (ابن‌اثیر، ۱۴۲۲: ۴۴۹/۸). از دیگر کاربری‌های کیفری این ابزار، آویختن قطعات بدن معدومان بود و به جز سرهای افرادی چون اتابک بوزابه در ۵۴۱ ق. بر در خانه خلیفه عباسی (نیشابوری، ۱۳۹۰: ۶۴) و ابن‌سنکا (برادرزاده حکمران خوزستان) در ۵۶۱ ق (ابن‌جوزی، ۱۴۱۲: ۴۰۴/۱۸؛ ابن‌اثیر، ۱۴۲۲: ۳۹۹/۹) و طغول سوم در ۵۹۰ ق. بر دروازه نوبی بغداد (همان، ۱۲۸/۱۰)، اجساد کشته شدگانی چون پیلبان ظالم بُست بر درخت در ۳۶۷ ق (یقه‌ی، ۱۳۸۹: ۶۷۴/۲) و حسنک در کسار مصلا در ۴۲۲ ق (همان، ۲۲۷-۲۳۵/۱) و طغول سوم سلجوقی در بازار ری در ۵۹۰ ق (اصفهانی، ۱۴۲۵: ۱۴۹) با آویختن به وسیله آن، در معرض دید همگان به نمایش گذاشته شد.

## ۶. کندن لباس

از آنجا که لباس به نوعی نماد تشخّص فرد و معرف پایگاه اجتماعی‌اش است، حذف، تنقیص و یا تغییر آن شیوه‌ای از شکنجه ترذیلی بود؛ چنان‌که در زاین قدیم، لباس از تن زنان بزهکار در می‌آوردند و آنان را به راه رفتن همچون چهارپایان وامی داشتند (کلاتری، ۱۳۷۵: ۱۴). در

ایران بعد از اسلام نیز یعقوب لیث و قتی در ۲۵۵ق بر علی بن حسین و طوق بن مغلس دست یافت، جامه‌های رنگین بر تنشان کرد و چون زنان به آنان مقتنه پوشاند و با خواری تمام در شهر کرمان گرداند (چیت‌ساز، ۱۳۷۴: ۱۳۳-۱۳۴) و صمصام‌الدوله بوبیهی نیز بعد از دستگیری علاء‌الدوله در ۳۸۳ق، لباس‌های رنگی بر او پوشاند و در کوچه‌های شهر اهواز گرداند (ابن‌اثیر، ۱۴۲۲: ۴۵۹/۷). در این دوره، کندن لباس چند کاربرد کفری داشت و ساده‌ترین و شایع‌ترین و نخستین مجازات بدین وسیله، دستار از سر برداشتن بود (چیت‌ساز، ۱۳۷۴: ۲۸۷)، چنان‌که در عصر غزنوی سلطان محمود در ۴۰۸ق قاتلان ابوالعباس خوارزمشاه را پیش از اعدام، سر برhenه کرد (بیهقی، ۱۳۸۹: ۱۱۱۱/۳) و به فرمان وی مظفرین طاهر عامل فوشنج را نیز سر و پای برhenه از این شهر به غزنه منتقل کردند (شبانکارهای، ۱۳۸۱: ۶۱/۲-۶۲). طرفه آنکه جانشین و پسر خود وی مسعود نیز به همین شیوه مجازات شد و شورشیان به هنگام دستگیری اش در ۴۳۱ق دستار از سرش برداشتند (چیت‌ساز، ۱۳۷۴: ۲۸۸). در عصر سلجوقی نیز رومانوس دیوجانوس امپراتور دستگیر شده روم، سر برhenه به حضور آل ارسلان برده شد (همان‌جا) و به گفته نگارنده بعض فضائح الروافض، یکی از اقدامات کفری نظام‌الملک در دوران وزارت (۴۶۵-۴۸۵ق) کشیدن دستار از سر مخالفان مذهبی بود (به نقل از: جعفریان، ۱۳۷۱: ۵۱). مجازات دیگر با این ابزار، افکندن همین دستار جهت احضار بود و محمود غزنوی به همین شیوه مظفرین طاهر را به غزنه (شبانکارهای، ۱۳۸۱: ۶۱/۲-۶۲) و مخالفان مذهبی را به نزد خود احضار کرد (قزوینی، ۱۳۵۸: ۴۲). گاه همین دستار، ابزار خفه کردن می‌شد؛ چنان‌که محمدبن یحیی نیشابوری در تهاجم مرگبار غزان به خراسان در ۴۵۴ق، با آن خفه شد (همایی، [بی‌تا]: ۲۸۴). البته گاه همچون مجازات مسترشد عباسی در ۵۲۹ق، با عربان کردن جسد، مقتول را تحقیر می‌کردند (ابن‌اثیر، ۱۴۲۲: ۶۴/۹) به جز لباس‌های مردانه، لباس‌های زنان نیز برای خوارداشت به کار گرفته می‌شد و در نیمه‌های سده ششم هجری، بلخیان بر سر انوری شاعرِ متوفی حدود ۵۸۳ق) روسربی کشیدند (صفا، ۱۳۷۱: ۶۶۰/۲).

## ۲-۷. دوختن اعضای بدن همراه با خوراندن مسهل

یکی از خوارکننده‌ترین ابزارهای مجازات در دوره مورد مطالعه این پژوهش، دوختن دهان یا مقعد مجرمان از یک سو و خوراندن خواراک‌های مسهل به آنان از دیگر سو بود. از جمله آنکه ابوسعبدین محمد حکمران کازرون، در ۵۰۸ق فرمان داد مقعد سفرای اعزامی «چاولی

سقاوو» حکمران فارس را بدوزند و با خوراندن خوراکی‌های مسهل و افکدن در برابر آفتاب سوزان، آنان را گرفتار مجازاتی کشته کردند (ابن‌اثیر، ۱۴۲۲: ۶۱۲/۸). (۶۱۴-۶۱۲).

## ۲- شراب

خوراندن اجباری شراب و دیگر مسکرات به افراد، به ویژه دیندارانی که آنرا حرام می‌دانستند، یکی از مجازات‌های این دوره بود. افزون بر این، گاهی با نوشاندن آن به مجرمان، بازجویی و اقرارگیری از آنان را آسان می‌کردند (همان، ۵۸۰/۸). در کاربری کیفری در دناکتر، در عصر غزنوی اسبها را با شراب مست کردند و قاتلان سلطان مسعود اول را به دم آنها بستند تا زجر و سختی بیشتری بر آن سیاه‌بختان تحمیل کنند (گردیزی، ۱۳۶۳: ۴۴۲).

## ۳. جنگ افزارهای مورد استفاده در مجازات

چنان‌که در سطور قبل اشاره شد، در پژوهش حاضر به جای کاربری نظامی این جنگ‌افزارها، کاربری کیفری آنها در مجازات افراد در خارج از میدان نبرد، به شرح ذیل بررسی شده است:

### ۳-۱. شمشیر

از جنگ‌افزارهای آفندی و پراجتین، قدیمی‌ترین و کاربردی‌ترین سلاح‌های فردی پیش و بعد از اسلام بود که در نبرد تن‌به تن به کار می‌رفت (جنبدل، ۱۴۱۷: ۱۲۶-۱۲۸). شمشیر سلاح مبارزان و دلاوران خوانده شده که رعب و هیبتیش بیش از دیگر سلاح‌های است و در میان همه آنها، شمشیر هندی از همه برآنده تر و بهتر بود (فخر مدبر، ۱۳۶۴: ۲۵۷-۲۵۸). ابزار اصلی اعدام در عصر ساسانی (کریستین سن، ۱۳۸۸: ۲۲۲) و روم باستان (ماری کربس، ۱۳۹۵: ۲۰) و ابزار انحصاری مصرح توسط پیامبر برای مجازات تعاقب کنندگان دختر مرحومه‌اش زینب بود (فیاض، ۱۳۸۰: ۸۹) و وسیله تعیین شده جهت مجازات جرم لواط از سوی شماری از قوهای است (کردی، ۱۳۹۴: ۲۰۱). شیوه‌های مجازاتی که در این دوره با این ابزار<sup>۱</sup> انجام شدند، عبارت‌اند از:

۱-۱. کشتن: به جز کشتن عمیدالملک کندری (ابونصر، ۲۰۰۳: ۲۱۷)، در کشتار جمعی غیرنظامیان در تهاجم مسعود غزنوی به اصفهان در ۴۲۱ق نیز اصلی‌ترین ابزار قتل عام مردم پناه گرفته در جامع شهر بود (مافروخی اصفهانی، ۱۴۶: ۱۳۸۵) و در

<sup>۱</sup> گفتنی است این نوشتار، معطوف به بررسی مجازات‌هایی است که منابع به صراحت به ابزار اعمال آنها اشاره کرده‌اند و بر این اساس، آن دسته از مجازات‌هایی که منابع درباره ابزار انجام آنها مسکوت اند، از دایره شمول این موضوع خارج است.

تهاجم غزان به خراسان در ۴۸۵ق ابزار اصلی کشتار مردم آن خطه بوده است (ابن منور، ۷۶۱: ۱۳۷۶، ۴۲، ۳۸۰، ۴۰/۱: ۳۸۴).

**۳ - ۱ - ۲. مثله کردن:** در عصر غزنوی سربازان دستگیرشده ایلک خان قراخانی (متوفی ۴۰۳ق) در ۴۹۸ق (فیضی، [ب]تا: ۱/۴۰) و تاش فراش حاجب در ۴۲۷ق (ابن اثیر، ۲۲۲: ۱۴۲۲، ۷۱۷/۷) و همچنین طغل حاجب در ۴۴۴ق (مستوفی، ۳۹۹: ۱۳۸۷) با این شیوه کشته شدند. در عصر سلجوقی نیز قاتل آل بارسلان (ابن اثیر، ۱۴۲۲: ۸/۲۳۱) و وزرایی چون تاج‌الملک در ۴۸۶ق (همان، ۸/۳۶۴) و مستوفیانی چون مجد‌الملک قمی در ۴۹۲ق (قزوینی، ۱۳۵۸: ۸۲؛ راوندی، ۱۳۶۶: ۱۴۵) و خلیفه مسترشد عباسی در ۵۲۹ق (ابن اثیر، ۱۴۲۲: ۹/۶۳-۶۴) و همچنین دو غلام سلطان سنجر (بنداری، ۲۵۳۶-۳۲۱) به وسیله آن مثله شدند.

**۳ - ۱ - ۳. گردن زدن:** بر عکس بریدن سر، این عمل با قطع نخاع از پشت سر انجام می‌شد (خلیلی، ۱۳۵۹: ۴۱). در عصر غزنوی دو سردار غوری اسیر شده در ۴۳۸ به فرمان مودود (فروزانی، ۱۳۸۶: ۲۹۳) و در عصر سلجوقی وزرایی چون مؤید‌الملک در ۴۹۴ق. توسط خود بر کیارق (راوندی، ۱۳۶۶: ۱۴۸)، شمس‌الملک در ۱۷ق به فرمان مغيث‌الدين محمود (ابن جوزی، ۱۴۱۲: ۱۷/۲۲۲؛ ابن اثیر، ۱۴۲۲: ۸/۶۸۸-۶۸۹) و کمال‌الدين محمد بن خازن در ۵۳۳ق توسط اتابک قراسنقر (بنداری، ۲۵۳۶: ۲۲۳) و حکمرانانی چون قدرخان جبرائیل در ۴۹۷ق (همان، ۳۱۵) و قطورخان در ۵۳۵ به دست سنجر (همدانی، ۱۳۸۶: ۵۸) و امرای نظامی همین پادشاه سلجوقی در ۴۸۵ به دست غزان (ابن اثیر، ۱۴۲۲: ۹/۲۰۰) از این طریق اعدام شدند.

**۳ - ۱ - ۴. دو نیم کردن:** شمشیر از ابزارهای اصلی (دیگر ابزارها در: بیهقی، ۲/۱۳۸۹: ۶۹۱) اعمال این مجازات بود (خلیلی، ۱۳۵۹: ۱۵۹-۱۶۰). سلطان سنجر پسر اسرز خوارزمشاه را در ۵۳۳ق (کمال‌الدين حلمی، ۱۳۸۷: ۷۱) و علی چتری (حکمران هرات) را در ۴۴۵ق (شانکارهای، ۱۳۸۱: ۲۱۲/۲) به این شیوه کشت و تکش خوارزمشاه (حکومت: ۵۸۹-۵۹۶ق) نیز «مؤبد آیبه» حکمران نیشابور را با این ابزار اعدام کرد (همان، ۱۳۷/۲).

**۳ - ۱ - ۵. قطع دست:** در عصر غزنوی سلطان مسعود دست راست تیراندازان میهن

(ابن منور، ۱۳۷۶: ۱۵۷) و بسیاری از ترکمنان غز (ابن اثیر، ۱۴۲۲: ۷۱۶/۷) و در عصر سلجوقی عمیدالملک کندری دست شماری از مدافعان شهر خوی (ریاحی، ۱۳۷۲: ۴۰) و «تیراشاه» حکمران کرمان دست راست ترکان اسماعیلی (ابن اثیر، ۱۴۲۲: ۴۵۴/۸) و چاوی سقاوو حکمران فارس و خوزستان نیز دستهای عده‌ای از مردم این منطقه (همان، ۵۳۵/۸) را با این ابزار بریدند.

## ۲-۲. خنجر/کارد

از جنگ‌افزارهای فردی آفندی که هم نوع بزرگ و هم کوچک داشت و در جنگ‌های صدر اسلام، غالباً زنان به آن مسلح بودند (قائدان، ۱۳۸۲: ۲۶۵). در دوره مورد بحث، سلاح اختصاصی فداییان اسماعیلی بود و به واسطهٔ کوچکی و سهولت حمل، آن را در زیر لباس (همان‌جا) و یا پیشانی اسب (بنداری، ۲۵۳۶: ۱۷۱) پنهان می‌کردند و ابزار انحصاری آنان جهت کشن مخالفان بود و هر گز ابزارهای دیگر همچون تیر و زهربه کار نمی‌بردند. مجازات‌های انجام شده با این ابزار، عبارت‌اند از:

**۲-۲-۱. کشتن:** خنجر از ابزارهای پرکاربرد عصر سلجوقی در اجرای این مجازات بود و از پادشاهان سلجوقی آل‌بارسلان در ۴۶۵ق (ابن‌جوزی، ۱۴۱۲: ۱۶؛ ابن‌اثیر، ۱۴۲۲: ۲۳۱/۸)، از وزرا خواجه نظام‌المک طوسی در ۴۸۵ق (همان، ۳۵۴/۸)، از رؤسای شهرها «ابوالمسلم سروشیاری» رئیس ری، در ۴۹۴ق (آشتینانی، ۱۳۸۴: ۸۲) و علاء‌الدوله رئیس همدان، در ۵۲۴ق (اصفهانی، ۱۴۲۵: ۱۷۸)، از خلفا مسترشد در ۵۵ق (نیشابوری، ۱۳۹۰: ۵۶؛ ابن‌جوزی، ۱۴۱۲: ۱۷/۲۹۹) و راشد در ۵۳۲ق (راوندی، ۱۳۶۶: ۲۲۹)، از غلامان جوهر تاجی (بنداری، ۲۵۳۶: ۳۲۹) و از مقامات شهری، شحنة اصفهان در ۴۹۳ق (ابن‌جوزی، ۱۴۱۲: ۱۷/۵۵) با این ابزار روانه جهان دیگر شدند.

**۲-۲-۲. بریدن گوش و بینی:** انگشت در بینی فرو می‌کردند و با خنجر یا کارد از زیر انگشت و از روی لب به طرف بالا بینی بریده می‌شد (خلیلی، ۱۳۵۹: ۱۶-۱۷). آل‌بارسلان سلجوقی بینی فرمانده سپاه پیش‌قرابول روم در جنگ ملازگرد در ۴۶۳ق (ابن‌اثیر، ۱۴۲۲: ۲۲۳/۸)، چاوی سقاوو بینی مردم منطقهٔ فارس (همان، ۵۳۵/۸)، اسماعیلیه گوش و بینی مسترشد عباسی در ۵۲۹ق (همان، ۶۳/۹-۶۴) و فرمانده اعزامی امیر شمله (حکمران خوزستان) بینی والی شهر نهادند را در ۵۶۸ق (همان، ۳۸۳/۹) با

این ابزار بریدند.

۳-۲-۳. درآوردن چشم: به وسیله نوک تیز خنجر انجام می‌شد (خلیلی، ۱۳۵۹: ۲۲). ابراهیم ییال (متوفی ۴۵۰ق) در ۴۳۹ق «سرخاب بن محمد» حکمران بنی عناز را با این ابزار از نعمت بینایی محروم (ابن جوزی، ۱۴۱۲: ۱۵/۳۰۸) و ملکشاه در ۴۷۶ق. سیدالرؤسا ابوالمحاسن، مستوفی دربار را با آن کور (همان، ۲۲۸/۱۶) و چاولی سقاوو (متوفی ۱۰۵ق) شماری از مردم فارس و خوزستان را با آن نایينا کرد (ابن اثیر، ۱۴۲۲: ۵۳۵/۸). ارسلان خوارزمشاه (حکومت: ۵۵۱-۵۶۵ق) نیز دو چشم یکی از برادران خود (همان، ۹/۲۲۹) را با همین ابزار از حدقه درآورد.

۳-۲-۴. بریدن زبان: به وسیله نوک خنجر، زبان را از انتهای حلق جدا می‌کردند و بیرون می‌کشیدند (خلیلی، ۱۳۵۹: ۱۲). جمال‌الملک پسر نظام‌الملک در ۴۷۵ق. زبان «جعفر ک» دلک دربار ملکشاه (ابن اثیر، ۱۴۲۲: ۲۸۱/۸) و چاولی سقاوو در حمله به کرمان، زبان یکی از سربازان خود را با این ابزار بریدند (همان، ۸/۱۵).

### ۳-۳. ناجَّح

به معنی تبرزین و یادآور واژه «ناشکه»<sup>۱</sup> در فرهنگ‌های سانسکریت به معنی «نایبود‌کننده» است (پورداود، ۱۳۴۶: ۴۵). از سلاح‌های معمول در دوره غزنوی است که بر پهلوی زین اسب بسته می‌شد (معین، ۱۳۸۶: ۱۸۸۷/۲) و بنا به گفته فخر مدبیر (اوخر سدۀ ششم قمری) گویا تبرزینی بوده که مهره آهنینی داشته و یادآور شده که مهره‌اش به جای گرز و رویش به جای شمشیر به کار می‌رفته است (فخر مدبیر، ۱۳۶۴: ۲۶۰). این ابزار به شکل داس باریک (همچون ماه نو) و وسیله شکستن گث و گردن بوده است (نجوانی، ۲۵۳۵: ۷۰). در عصر غزنوی یکی از ابزارهای تکه‌تکه کردن هارون بن آتونتاش حکمران خوارزم در ۴۲۶ق (بیهقی، ۱۳۸۹: ۲/۶۹۱) و وسیله کشتن عبدالجبار وزیر دربار خوارزم و دو پسر و شماری از بستگانش بود (همان، ۶۹۷/۲).

### ۴-۳. گرز(چماق)

از کهن‌ترین ابزارهای شناخته و ساخته شده به دست انسان و مخصوص کسانی است که بر قوت

1 Nashaka.

بازوی خود اطمینان دارند (فخر مدبر، ۱۳۶۴: ۲۶۳). در عصر سلجوقی، یوسف خوارزمی قاتل آلب ارسلان در ۴۶۵ق (حسینی، ۱۳۸۰: ۸۷) و صدرالدین محمد وزیر سنجر بعد از فتح غزنی در ۵۱۲ق (خواندمیر، ۱۸۹: ۲۵۳۵) با این ابزار به هلاکت رسیدند.

### ۳-۵. دبوس

گونه‌ای گرز آهنی به شکل مریع یا مدور با دسته چوبی بود که سواره نظام برای نبرد با کسانی که خود و جوشن می‌پوشیدند، در زیر زین خویش پنهان می‌کردند (قلقشنندی، ۱۹۱۳: ۱۳۵/۲). واژه‌ای است فارسی و تازی اش با «ب» مشدّد است (شیر، ۱۳۸۶: ۹۴). در عصر غزنی یکی از ابزارهای تکه‌تکه کردن هارون بن آتوناش در ۴۲۶ق بود (بیهقی، ۱۳۸۹: ۶۹۱/۲). گویا سلاح اختصاصی ترکان و چنان مخوف بود که همگان بیناک از مواجهه با یک ترک مسلح به آن بودند؛ چه ابوحامد غزالی (۴۵۰-۴۵۰ق) با اشاره به این واقعیت، «آمدن ملک الموت و ستمن جان» را «با هولتر از دبوس ترکان» معروفی می‌کند (غزالی، ۱۳۸۰: ۶۲۳/۲).

### ۳-۶. تیر

از سلاح‌های متداول دوره غزنی و سلجوقی و حتی همه ادوار تاریخ تا این اواخر است که با کمان پرتاب می‌شد و چوب راست و باریکی بانوک آهنین و گاه زهرآلود است (انوری، ۲۵۳۵: ۱۴۱-۱۴۲) که دو تیغه یا شاخه مخالف داشت تا خارج شدن آن را از بدن دشوار سازد (قائیان، ۱۳۸۲: ۲۶۰). در عصر غزنی سلطان مسعود در حمله به اصفهان در ۴۲۱ق مردم غیرنظمی پناه گرفته در مسجد جامع شهر (مافروخی اصفهانی، ۱۳۸۵: ۱۴۶) و نیروهای دربار خوارزم نیز در ۴۲۶ق عبدالجبار را با این ابزار تیرباران کردند و کشتند (بیهقی، ۱۳۸۹: ۶۹۱/۲) و مودود در ۴۳۲ق شماری از قاتلان پدرس مسعود (گردیزی، ۱۳۶۳: ۲۴۲) را با آن مجازات کرد. در عصر سلجوقی نیز آلب ارسلان با این ابزار در صدد مجازات ضاربیش برآمد (ابن‌شیر، ۱۴۲۲: ۲۳۱/۸).

### ۳-۷. زه کمان

کمان از چوبی مخصوص و قابل ارتجاج و با پوست حیواناتی چون کرگدن، گوزن، نیله گاو<sup>۱</sup> و

<sup>۱</sup> جانوری است صحرایی و بزرگ‌تر از گوزن (ن. ک: رامپوری، [بی‌تا]: ۵۰۳/۲).

اسب درست می‌شد که پوست کرگدن بهترین آن بود (فخر مدبر، ۱۳۶۴: ۲۴۵). هر کمان، دو زه و هر زه، دو انگشتونه برای محافظت از انگشت بهنگام استفاده از آن داشت (همانجا). به رغم عدم گنجاندن آن در شمار ابزارهای خفه کردن در کتاب تاریخ شکنجه، تاریخ کشтар و آزار در ایران (ن. ک: خلیلی، ۱۳۵۹: ۱۶۲-۱۶۳)، یکی از مهم‌ترین ابزارهای اعمال این مجازات در دوره مورد بحث است. در عصر غزنوی، سبکگین پیلبانی ظالم را در بست در ۳۶۷ (بیهقی، ۱۳۸۹: ۶۷۴/۲) و در عصر سلجوقی به واسطه احتراز از ریختن خون اعضای سلطنت، طغول اول برادر ناتنی اش ابراهیم ینال را در ۴۵۱ (ابن‌اثیر، ۱۴۲۲: ۱۵۷/۸؛ بندرانی، ۲۵۳۶: ۲۰) و طغول سوم در اوایل حکومت، یکی از مخالفان به نام سید علاء‌الدوله (نظام‌حسینی یزدی، ۱۳۸۸: ۱۴۹-۱۵۰) و در اواخر سلطنتش، وزیرش عزیزالدین کاشی را به همراه پسرش (نراقی، ۱۳۴۵: ۶۱) با این ابزار خفه کردند.

### ۸-۳ نیزه

از جنگ‌افزارهای آفندی و مختص در گیری از فاصله کم با دشمن بود و زمانی که از چوب نی‌های محکم ساخته می‌شد، بر سرش قطعه‌ای نوک‌تیز از آهن نصب می‌شد تا به وسیله آن دشمن را مجرح کند. دارای دو نوع بلند برای سواره نظام و کوتاه برای پیاده نظام بود (قادان، ۱۳۸۲: ۲۵۵-۲۵۶). به جز کاربرد در جنگ‌ها، قتل انفرادی و یا دسته‌جمعی با آن، یک نوع شکنجه است (خلیلی، ۱۴۲۴: ۳۵۹). در کاربرد آن به عنوان ابزار اعدام، شریف حسین علوی، سفیر فاطمیان در دربار غزنه به نام «تاهرتی» را با فروکردن آن در گردنش در ۴۰۳ کشت (اعتبی، ۱۴۲۴: ۳۹۴-۳۹۵). در کاربری کیفری دیگر، محمود غزنوی در ۳۷۷ سرهای خویشان پادشاه هند را برابر آن نهاد و نزد پدرش سبکگین فرستاد (شبانکارهای، ۱۳۸۱: ۴۳/۲) و در عصر سلجوقی نیز تکش خوارزمشاه در ۵۹۰ (ق)، هم سر طغول سوم سلجوقی را برابر آن نشاند و به بغداد فرستاد (ابن‌اثیر، ۱۴۲۲: ۱۰/۱۰-۱۲۷) و هم سر «ابن قصاب» وزیر خلیفه عباسی را برابر آن نصب و به شهرهای خراسان ارسال کرد (ذهبی، ۱۴۰۴: ۳۲۴/۲۱).

### ۴. ابزارهای طبیعی مورد استفاده در مجازات

سابقه صحرانشینی، پیشینه ایلی و قدان تجربه حکومت‌داری ترکانی که در این دوره به ایران وارد شدند و طی فرایندی زمان بر و خشونتزا موقعیت خود را تحکیم بخشیدند، در کنار علل

و عوامل دیگری که موضوع این نوشتار نیست<sup>۱</sup>، به چنان زبری و خشونتی در بستر اجتماع انجامید که ابزارهای گفته شده در حذف و یا منکوب ساختن دیگران بسند نکرد و گروهها و کشگران فعال در ساختار سیاسی را به شرح ذیل ناچار از کاربرد مظاهر/ ابزارهای طبیعی در مجازات در عرصه منازعات آن دوره کرد:

#### ۱-۴. جمادات

۱-۱-۴ آب: چند کاربری کیفری داشت که مهم‌ترین آن خفه کردن از طریق فرو بردن افراد در آن بود و به رغم عدم کاربرد چندان آن در ایران باستان (خلیلی، ۱۳۵۹: ۱۶۰-۱۶۱) مگر در ور (کریستین سن، ۱۳۸۸: ۲۱۹)، یکی از مهم‌ترین ابزارهای اعدام در دوره‌های تاریخی کهن بود (دورانت، ۱۳۷۲: ۱۳۷۲، ۱۵۷، ۲۹۰، ۱۵۷، ۲۹۰؛ ماری کربس، ۱۳۹۵: ۱۹-۲۰) یکی از شیوه‌های غرق کردن در این دوره، آکدين شوارهای مجرمان از سنگ و افکندن آنان در آب بود (شبانکارهای، ۱۳۸۱: ۸۰/۲). در حکومت ملکشاه سلجوقی، ابن علان یهودی (ضامن بصره) رادر (۴۷۲ق. در جله غرق کردند (ابن‌جوزی، ۱۴۱۲: ۱۶؛ ابن‌اثیر، ۱۴۲۲: ۲۷۴/۸) و در حکومت خوارزمشاهیان که به‌ویژه به مجازات با این ابزار مشهور بودند (صفا، ۱۳۷۱: ۱۲۲/۲-۱۲۳)، اتسز (حکومت: ۵۲۱-۵۲۲ق) ادیب صابر شاعر را در (مستوفی، ۱۳۸۷: ۴۸۳) و ترکان خاتون (متوفی ۳۰۰ق) نیز بهاء الدین سام غوری و برادرش را بعد از تازش مغول در ۱۶۴ق. در جیحون غرق کردند (جوزجانی، ۱۳۶۲: ۳۷۹/۱). گاه همچون مجازات دختران آوازه‌خوان غزنه توسط علاء الدین حسین جهانسوز، مجرمان را با بخار آب در حمام خفه می‌کردند (ابن‌اثیر، ۱۴۲۲: ۱۹۰/۹) و گاه جسد آنان را در آب می‌افکندند؛ چنان‌که بر کیارق حسد عمومیش تکش را در ۴۸۷ق (همان، ۳۸۵/۸) و ابوالفتح مسعود (حکومت: ۵۲۹-۵۴۷ق) جسد امیرعباس حکمران ری را در ۵۴۱ق (راوندی، ۱۳۶۶: ۶۳؛ نیشابوری، ۱۳۹۰: ۶۳) به آب افکندند. گاه همچون مجازات ابوالفتح بستی در حکومت مسعود غزنوی، با افکندن مشکی در گردن فرد، وی را با الزام به آب کشیدن در ستور گاه، تحصیر می‌کردند (بیهقی، ۱۳۸۹: ۲۱۵/۱).

<sup>۱</sup> نگارنده در قالب فصل مستقلی در رساله دکتری اش به تفصیل به آنها پرداخته و نقش آنها را در خشونت‌زایی بستر اجتماعی بررسی کرده است.

**۴ - ۱ - ۲. سنگ:** استفاده از این ابزار برای سنگسار افراد، از دیرباز کاربرد داشته است؛ چنان‌که در تورات بدان اشاره شده (نوروال و روتمن، ۱۳۹۰: ۴۵) و در یونان (همان، ۳۶) و ایران باستان (راوندی، ۱۳۷۸: ۱/۸۷) کاربرد داشته است. در اسلام ابزار مجازات مرتكبان زنا (جزیری، ۱۴۲۲: ۱۱۷۰) و لواط (همان، ۱۲۱۸) است. در این دوره، سنگسار نه به صورت مستقل برای هدفی شرعی، بلکه به هنگام دار زدن و در مورد پیروان مذاهب فرقه‌ای و مخصوصاً حکام انجام می‌شد. در عصر غزنوی، اسماعیلیه خراسان در ۴۰۳ق (عتبی، ۱۴۲۴: ۳۹۱) و یعقوب جندی سفیر اعزامی دربار خوارزم، در ۴۰۸ق (بیهقی، ۱۳۸۹: ۱۱۰۴/۳)، اسماعیلیه ری در ۴۲۰ق (گردیزی، ۱۳۶۳: ۴۱۸) و حسنک وزیر در ۴۲۲ق (همان، ۴۲۵؛ بیهقی، ۱۳۸۹: ۲۳۵/۱) بر دار سنگسار شدند.

**۴ - ۱ - ۳. خاک:** استفاده از خاک در مجازات افراد به ایران باستان برمی‌گردد؛ چنان‌که در عصر هخامنشی (۵۵۰-۳۳۰ق) برخی از مجرمان را تا گردن در خاک فرو می‌کردند (دورانت، ۱۳۷۲: ۴۱۹). شدت خشونت‌های دوره مورد بحث، کاربری‌های کیفری دیگری نیز به آن داد؛ و یا برای تحقیر افراد، در ۴۳۵ق در غزنه بر سر افرادی چون سيف الدین سوری و وزیرش مجد الدین خاک ریخته شد (ابن‌اثیر، ۱۴۲۲: ۱۸۹/۹-۱۹۰) و یا در انتقام همین تحقیر، دوباره به کار گرفته شد و توسط علاء الدین حسین غوری در جوال‌هایی بر دوش شماری از مردم غزنه نهاده و به فیروزکوه (پایتخت غوریان) انتقال داده شد و با خون حمل کنندگان ترکیب و برای ملاط برج این شهر به کار گرفته شد (همان‌جا). همچنین سه سال بعد در تهاجم غزان به خراسان، در دهان جمعی از مردم میهنیه (ابن‌منور، ۱۳۷۶: ۱/۴، ۳۸۰) و نیشابور و دو تن از علمای آن شهر (نیشابوری، ۱۳۹۰: ۵۰) خاک ریخته شد. گویا استفاده از این ابزار برای چنین شکنجه‌ای، چنان مرسوم بوده است که «عبدالجلیل رازی قزوینی» به هنگام برآشتن از دیدگاه‌های نگارنده بعض فضائح السروافض، آرزو می‌کند که خاک در دهانش ریخته شود (ن. ک: قزوینی، ۱۳۵۸: ۴۱۱، ۴۲۹).

**۴ - ۱ - ۴. کاه:** سابقه کاربرد آن برای آکندن پوست کنده شده معده‌مان، به عصر هخامنشی بازمی‌گردد و این مجازات «اوسمه‌یا»<sup>۱</sup> خوانده می‌شد (احتشام، ۹۵: ۲۵۳۵).

۱ Uzmaya.

این ابزاربرای آکندن پوست «فصلویه» رئیس کردان شبانکاره در فارس، در ۴۶۵ق (ابن بلخی، ۱۳۷۴: ۳۹۲؛ قس: ابن‌اثیر، ۱۴۲۲: ۲۳۰/۸) و ابن‌عطاش در اصفهان در ۵۵ق (همان، ۵۴۴/۸) استفاده شد.

**۴-۵. خاکستر/خاشاک:** از ابزارهای ترذیلی بود و به هنگام اقامت ابوسعید ابوالخیر (متوفای ۴۳۷ق) در نیشابور (از ۴۱۵ق به بعد) شیعیان بر سرش خاکستر ریختند (شیعی کدکنی، ۱۳۷۶، ب: هشتاد و دو) و در مجازات ابن‌عطاش در اصفهان (نیشابوری، ۱۳۹۰: ۴۲؛ راوندی، ۱۳۶۶: ۱۶۱) و سیف‌الدین سوری و وزیرش مجدد الدین در غزنی (جوزجانی، ۱۳۶۳: ۱/۳۹۴-۳۹۵)، بر سر آنان خاشاک و خاکستر و نجاست ریخته شد.

## ۲-۴. حیوانات

با توجه به کاربرد گسترده حیوانات در اموری چون کشاورزی و حمل و نقل در جوامع پیش‌اصنعتی، در حوزه مورد بحث نیز از آنها استفاده می‌شد. در روم باستان (۵۱۰-۲۷۵ق) مجرمان را به همراه چهار حیوان چندش‌آور در گونی چرمی بزرگی محبوس می‌کردند و سپس به دریا یا پرتگاهی عمیق می‌افکنندند (ماری کربس، ۱۳۹۵: ۱۹-۲۰). در ایران عصر ساسانی (۲۲۴-۵۱) به جز کاربردهایی چون ساخت تازیانه از پی گاو (کریستین سن، ۱۳۸۸: ۲۲۲)، عیسویان دست و پاسبته محبوس در سیاه‌چال را طعمه موش‌های گرسنه (همان، ۲۲۱) و در امپراتوری روم باستان (۴۷۶-۲۷۴ق) اسیران جنگی و مجرمان را طعمه درندگان گرسنه می‌کردند (نوروال و رومن، ۱۳۹۰: ۵۵؛ ماری کربس، ۱۳۹۵: ۲۰). به جز ساییدن در زیر پای فیل (کریستین سن، ۱۳۸۸: ۲۲۲) و افکندن جسد اعدام شدگان نزد حیوانات وحشی در ایران عصر ساسانی (همان، ۲۲۳) و طعمه کردن جسد مجرمان خطرناک برای درندگان در یونان باستان (نوروال و رومن، ۱۳۹۰: ۳۹)، استفاده از حیوانات در شکجه‌هایی دیگر همچون تجاوز به زنان مجرم با فیلهای تربیت شده در شرق قدیم (کلانتری، ۱۳۷۵: ۱۳-۱۴) معمول بود. گزارش‌هایی از صدور فرمان پوشاندن لباسی از موی بز جهت مجازات مخالفان در عصر اموی (دینوری، ۱۳۸۸: ۲۸۱) و ساییدن افراد در زیر پای فیل در دوره آل بویه (فقیهی، ۱۳۷۳: ۱۶۷) می‌یعنی کاربرد کیفری حیوانات در عصر اسلامی است.

در دوره مورد بحث، اعدام در زیر پای فیل یکی از کاربری‌های کیفری این حیوان به‌ویژه در

عصر غزنوی بود که با فشار دست و پای فیل تحت هدایت فیلبان بر سینه مجرم/متهم دست بسته، در نهایت وی معذوم و به قولی مالیده می‌شد (کلانتری، ۱۳۷۵: ۱۵). محمود غزنوی در ۴۰۰ ق «ابن باحفص» پسر حکمران سیستان (مجھول المؤلف، ۱۳۸۱: ۳۳۶) و در ۴۰۷ ق قاتلان ابوالعباس مأمون خوارزمشاه (بیهقی، ۱۳۸۹: ۱۱۱۱/۳) را با این ابزار کشت و مسعود نیز در ۴۲۶ ق اسرای ترکمن (همان، ۶۶۴/۲) و ابراهیم (حکومت: ۴۹۲-۴۵۱) هم در قحطی غزنه، محتکران آرد را در زیر پای فیل ساییدند (طوسی، ۱۳۸۷: ۶۲). در عصر سلجوقی نیز ضاربان سیستانی برکیارق در ۴۸۸ قبا همین ابزار (ابن جوزی، ۱۴۱۲: ۱۷/۱۸؛ ابن اثیر، ۱۴۲۲: ۳۹۶/۸) اعدام شدند. گاه برای رعب‌افکنی بیشتر به ساییدن اکفانی کردند، بلکه معذومان را بر دندان همین حیوان می‌نهادند و در انتظار عموم می‌گردانند (بیهقی، ۱۳۸۹: ۱۱۱۱/۳).

اسب یکی دیگر از ابزارهای کیفری است که مودود غزنوی (حکومت: ۴۴۱-۴۳۲ ق) شماری از قاتلان پدرش را بر دم آنها بست (گردیزی، ۱۳۶۳: ۴۴۲) تا در اثر کشیده شدن بر سنگ‌ها و خار زمین تکه شوند (خلیلی، ۱۳۵۹: ۱۶۷-۱۶۸). دیگر حیوان دارای کاربری کیفری در این دوره، سگ است که در ۵۴۸ ق، هم غیاث الدین محمد دوم (حکومت: ۵-۵۴۸ ق) جسد یکی از امراضیش به نام «خاص بک بن بلنکری» (ن. ک: ابن اثیر، ۱۴۲۲: ۵۵۴-۱۸۶/۹) و هم غزان مهاجم، شماری از علمای خراسان را زنده طعمه این حیوان درنده کردند (سمعانی، ۱۳۹۵: ۱/۴۲۲). گاه شدت کینه آمر/عامل مجازات به حدی بود که چشمان از حدقه درآورده شده فرد مغضوب را طعمه این حیوان می‌کرد؛ چنان‌که ملکشاه با چشمان سیدالرؤسا ابوالمحاسن چنین کرد (ابن جوزی، ۱۴۱۲: ۱۴۲/۱۶). ۲۲۸/۱۶.

تبديل حیوان به ابزار خوارداشت مجرمان، از دیگر کاربری‌های کیفری حیوانات در این دوره است؛ برای مثال، ارسال سرهای ترکمنان مقتول با خر برای رهبرشان توسط مسعود غزنوی در ۴۲۹ ق (گردیزی، ۱۳۶۳: ۴۳۵)، الزام بوقفت بستی به آب کشیدن در ستور گاه در حکومت همین فرد (بیهقی، ۱۳۸۹: ۱/۲۱۵) و واداشتن عمیدالملک کندری به کار در ستور گاه و سگ خانه (قمی، ۱۳۶۳: ۹۹)، نشاندن این عطاش اسماعیلی‌مذهب بر شتر در اصفهان در ۵۰۰ ق (نیشابوری، ۱۳۹۰: ۴۲؛ راوندی، ۱۳۶۶: ۱۶۱) و گرداندن سيف الدین سوری و وزیرش مجدد الدین

<sup>۱</sup> در حوزه مکانی غیر از موضوع این نوشتار نیز به گفته عبدالجلیل قزوینی (۵۰۴ - ۵۵۸۵ ق) که خود معاصر رویداد است، آل باوند شیعه‌مذهب حاکم بر مازندران، در اواسط سده ششم هجری، هزاران اسماعیلی‌مذهب را زنده زنده طعمه این حیوان کردند (به نقل از: جعفریان، ۱۳۸۸: ۴۴۵).

موسی بر گاو در غزنه در ۵۴۳ق (ابن‌اثیر، ۱۴۲۲: ۱۸۹/۹-۱۹۰؛ قس: جوزجانی، ۱۳۶۳: ۳۹۴/۱) از بارزترین مصاديق این شکنجه است. با وجود اعتقاد نگارنده کتاب تاریخ شکنجه: تاریخ کشتار و آزار در ایران به فهدان مجازات در پوست گاو دوختن در تاریخ اسلام (خلیلی، ۱۳۵۹: ۲۱۰)، محمود غزنوی بعد از فتح ری در ۴۲۰ق، شماری از دیلمیان را در پوست گاو دوخت و به غزین اعظام کرد (مجھول المؤلف، [بی‌تا]: ۴۰۴).

## ۵. ابزارهای کم‌کاربرد

تعدد علت‌ها و تکثر مشارکت‌های خشونت‌زای بستر این دوره و زبری آن، نیروهای دخیل در ساختار سیاسی را به شرحی که در سطور فوق گذشت، به استفاده حداکثری از ابزارهایی کشاند که معطوف به تعذیب بودند و حجم کمتری از ابزارها در تحقق اهداف فروتن از تعذیب به کار گرفته شد. بر این اساس در میان هر چهار دسته ابزار گفته شده، برخی ابزارها به کار گرفته شد که یا میزان توسل بدان‌ها کم بود و یا بازتاب کمتری در منابع تاریخی پیدا کرده است. با این وصف، با عنایت به لزوم استقصای کامل همه‌آنها جهت شناخت هر چه بهتر نظام کیفری این دوره و بررسی سیر تحول آن، در ادامه به آنها پرداخته شده است.

در گروه ابزارهای ساخته شده برای مجازات، «سه‌پایه» به صورت مستقیم کاربری کیفری پیدا نکرد، اما در اهداف ترذیلی و ترهیبی در نمایش سرهای معدومان به کار رفت؛ برای مثال، «حسن سلیمان» شحنة سلطان مسعود غزنوی در ری، بعد از دفع تهاجم آل بویه به این شهر در ۴۲۱ق، سرهای شمار زیادی از آنان را در مسیر آمدن‌شان، بر سه‌پایه‌های نصب شده به نمایش گذاشت (بیهقی، ۱۳۸۹: ۳۶/۱). دیگر ابزار کم‌کاربرد در همین گروه، مهر است. ممهور کردن، یکی از اشکال مجازات مجرمان در غرب تا سده نوزدهم میلادی بود (گیدزر، ۱۳۷۹: ۱۵۴). این ابزار در سیزه‌های فرقه‌ای عصر سلجوقی به کار رفت و در نیمة سده ششم قمری بر پیشانی بزرگان شیعی قزوین، مهری دال بر محبت خلفای اول و دوم راشده نهادند (جعفریان: ۱۳۸۸: ۴۴۷). آخرین ابزار کم‌کاربرد ساخته شده برای مجازات، حلقة آهنی است که یکی از ابزارهای کیفری ترذیلی عصر سلجوقی و نماد پیروزی عامل/امر مجازات و تبدیل فرد مغضوب به جارچی شکستش بود. آلبارسلان بعد از پیروزی در ملازگرد در ۴۶۳ق، آن را در گوش امپراتور شکست خورده روم کرد (شبانکارهای، ۱۳۸۱: ۱۰۱/۲).

در ابزارهای مورد استفاده برای مجازات، گچ از جمله مصالحی است که به دلیل

ویژگی‌هایی چون چسپندگی، استحکام و غیره از زمان‌های گذشته در مصارف ساختمانی، پژوهشگی و صنعتی به کار می‌رفته است و در این دوره به عنوان ابزار مجازات، در اهداف ترهیبی و برای دربند کشیدن مجرمان به کار گرفته می‌شد. برای مثال، به دستور محمود غزنوی در به نمایش گذاشتن جنازه‌های قاتلان ابوالعباس خوارزمشاه بر دار به کار رفت (بیهقی، ۱۳۸۹: ۱۱۱۱/۳). شدت فروکاستن دین به ابزاری برای نزاع‌های هویتی در این دوره حتی ابزارهای عبادی را نیز به «آلت جنگ و نفیر» تبدیل کرد و لوحک نماز آنگاه که بر گردن کسی آویخته می‌شد، به مثابه نوعی تحریر و توهین به او به شمار می‌رفت و در چنین حالتی ابزاری برای مجازات بود؛ چنان‌که به گفته صاحب بعض فصائح الروافض، بعد از دار زدن شیعی لاعن صحابه، لوحک نماز بر گردنش افکنده و به نمایش گذاشته شد (قریونی، ۱۳۵۸: ۱۹۲).

حجم خشونت نهاد مجازات در این دوره، به بهره‌گیری صرف از ابزارهای غیرکیفری در نظام کیفری بسته نکرد، بلکه گاه آنها را برای تحقق اهداف تکمیلی دیگر نیز به کار گرفت. کلاه‌خود از جمله جنگ‌افزارهای مورد استفاده در نظام کیفری این دوره بود که به عنوان ابزار تکمیلی به کار گرفته شد و با توجه به نیاز به سر حسنک وزیر، به هنگام سنگسار وی بر دار، بر سرش کشیده شد تا از آسیب سنگ‌های پرتاب شده مصون بماند و برای نیل به اهداف بعدی به کار گرفته شود (گردیزی، ۱۳۶۲: ۴۲۴-۴۲۵؛ بیهقی، ۱۳۸۹: ۲۳۴/۱).

در میان ابزارهای طبیعی مورد استفاده در مجازات، کوه/بلندی از جمله ابزارهایی بود که کاربری کیفری پیدا کرد و سابقه کاربرد آن به روم باستان (نوروال و روتمن، ۱۳۹۰: ۵۰-۵۱) و کشورهای اسکاندیناوی قرون وسطاً بر می‌گشت (همان، ۸۹). در نظام کیفری اسلام، از ابزارهای مجازات مرتكبان جرم لواط است (جزیری، ۱۴۲۲: ۱۴۲۲). در دایرة موضوع این پژوهش، این ابزار به عنوان مجازاتی شرعی به کار گرفته نشد، اما علاء‌الدین حسین غوری در رویکردی انتقام‌جویانه، در جریان تسخیر غزنه در ۱۴۵۴ق، علویان دخیل در قتل برادرش را دست‌بسته از فراز کوه‌ها به پایین افکند (ابن‌اثیر، ۱۴۲۲: ۹۰/۹). دیگر ابزار کم کاربرد به کار رفته در این گروه، سرگین‌دان بود که در خوارداشت جسد مجرمان به کار می‌رفت و پیکر «بوطلحه شبی» عامل هرات را پس از پوست کنند، در یک سرگین‌دان افکنند (بیهقی، ۱۳۹۰: ۹۲۰/۳).

### نتیجه‌گیری

به دنبال ورود تدریجی و سلطه‌تر کان در ایران و به تخت نشستن غزنویان، دوره‌ای در تاریخ این

کشور آغاز شد که اقتدار ایلی مبتنی بر چیرگی، مهم‌ترین ویژگی آن است. واقعیت‌های فرهنگ قبیله‌ای دودمان‌های حکومتگر در ایران سده‌های میانه، در کنار نیاز آنان به مشروعيت دینی دستگاه خلافت در حوزه عمل سیاسی، الگوی حکمرانی حاکم بر سپه سیاسی ایران اسلامی را بیش از پیش به سلطنت پیشاً‌اسلامی نزدیک‌تر و عرصه را بر آموزه‌های اسلام و رویکرد سنت نبوی در این حوزه تنگ‌تر کرد. بقای نیروهای دخیل در این سپه سیاسی به عنوان یک «متن» متأثر از «زمینه» و تأثیرگذار بر آن، مقتضی توسل به ابزارهای کیفری برای اعمال قدرت و منکوب کردن و یا حذف گروههای رقیب در جامعه آن عصر بود و بر این اساس، هم نوع و هم میزان ابزارهای کیفری به کار گرفته شده در این جهت، بسیار متفاوت و بسی بیشتر از آنی بود که اسلام تاریخی، ناچار از به رسمیت شناختن آنها در عرصه واقعیت اجتماعی شده بود. با عنایت به حاکمیت حکومتگران این دوره و تغییر صورت گرفته در الگوی حکمرانی ایران پیشاً‌اسلامی، به نظر می‌رسد ابزارهای کیفری به کار رفته در منازعات این دوره، به ترتیب ریشه ایرانی و سپس ترکی داشتند و هماهنگی و همراهی خواسته یا ناخواسته این دو فرهنگ، عرصه را بر نقش‌آفرینی فرهنگ اسلامی در این حوزه تنگ‌تر کرد.

### منابع و مأخذ

- اقبال آشتیانی، عباس (۱۳۸۴ش)، وزارت در عهد سلاطین بزرگ سلجوقی، به کوشش محمد تقی دانشپژوه و یحیی ذکا، تهران: دانشگاه تهران.
- آنسل، مارک (۱۳۵۰ش)، اعدام، ترجمه مصطفی رحیمی، تهران: پیام.
- آینه‌وند، صادق (۱۳۷۹ش) «فتح در اسلام: فتح تغلیب، فتح قلوب» تاریخ اسلام، ش، ۲، صص ۴۹-۲۸.
- ابن‌اثیر، عزالدین ابوالحسن (۱۴۲۲ق)، *الکامل فی التاریخ*، به کوشش عمر عبدالسلام تدمري، بیروت: دارالکتب العربية.
- ابن‌بلخی (۱۳۷۴ش)، *فارستانه*، به کوشش منصور رستگار فساپی، شیراز: بنیاد فارس‌شناسی.
- ابن‌جوزی، ابوالفرج (۱۴۱۲ق)، *المتنظم فی تاریخ الملوک و الأئمّة*، به کوشش محمد عبدالقادر عطا و مصطفی عبدالقادر عطا، بیروت: دارالکتب العلمیه.
- ابن‌منور، محمد (۱۳۷۶ش)، *اسرار التوحید فی مقامات شیخ ابی سعید*، به کوشش محمدرضا شفیعی کدکنی، تهران: آگاه.
- ابونصر، محمد عبد‌العظیم (۲۰۰۳م)، *السلاجقه تاریخهم السیاسی و العسکری*، قاهره: دارالفنون للدراسات والبحوث الإنسانية والإجتماعية.
- احتشام، مرتضی (۲۵۳۵ش)، ایران در زمان هخامنشیان، تهران: شرکت سهامی کتابهای جیبی.

- احمدی، اشرف(۱۳۴۶ش)، قانون و دادگستری در شاهنشاهی ایران باستان، تهران: کتابفروشی اشرافی.
- اصفهانی، عمام الدین(۱۴۲۵ق)، تاریخ دولت آل سلجوق، به کوشش یحیی مراد، بیروت: دارالعلمیه.
- انوری، حسن(۲۵۳۵ش)، اصطلاحات دیوانی دوره غزنوی و سلجوقی، تهران: کتابخانه طهوری.
- بخاری، ابوعبدالله محمد(۱۴۲۳ق)، صحیح البخاری، دمشق - بیروت: دار این کثیر.
- بنداری، فتح بن علی(۲۵۳۶ش)، تاریخ سلسله سلجوقی، ترجمه محمدحسین جلیلی، تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
- بیانی، شیرین(۱۳۷۹ش)، دین و دولت در عهد ساسانی، تهران: جامی.
- بیضون، ابراهیم(۱۴۱۹ق)، «من صاحب العذاب الی صاحب التّئور: دراسة فی اشكالية العنف و السّلطنة خلال فرات من عصری بنی امية و بنی عباس»، المنهاج، ش ۱۲، صص ۱۹۱-۲۱۲.
- بیهقی، ابوالفضل(۱۳۸۹ش)، تاریخ بیهقی، به کوشش خلیل خطیب رهبر، تهران: مهتاب.
- پادشاه، محمد(۱۳۶۳ش)، فرهنگ جامع فارسی آندرالج، تهران: کتابفروشی خیام.
- پوردادود، ابراهیم(۱۳۴۶ش)، زین ابزار: کمان و تیر؛ ورقی از تاریخ سلاح در ایران» بررسی‌های تاریخی، ش ۷، صص ۲۹-۴۶.
- جرفاذقانی، ابوالشرف ناصح(۱۳۸۲ش)، ترجمة تاریخ یمنی، به کوشش جعفر شعار، تهران: علمی و فرهنگی.
- جزیری، عبدالرحمن(۱۴۲۲ق)، الفقه علی مناھب الاربعه، بیروت: دار ابن حزم.
- جعفریان، رسول(۱۳۸۸ش)، تاریخ تشیع در ایران از آغاز تا طلوع دولت صفوی، تهران: علم.
- چیت‌ساز، محمدرضا(۱۳۷۴ش)، تاریخ پوشاک ایرانیان از ابتدای اسلام تا حمله مغول، تهران: سمت و مرکز تحقیقات و مطالعات و سنجش برنامه‌ای سازمان صدا و سیما.
- حسینی، صدر الدین(۱۳۸۰ش)، زبانه التواریخ، اخبار الامراء و الملوك السلاجقویه، ترجمة رمضان علی روح اللہی، تهران: ایل شاهسون بغدادی.
- حناشی، عبداللطیف [بی‌تا]، السّلطنه و العنف فی التّاریخ الإسّلامی؛ الـتّولـة الـأـمـوـیـه انـمـوذـجـاً، رباط: مؤسسه مؤمنون بلاحدود للدراسات والأبحاث.
- خلیلی، مهیار(۱۳۵۹ش)، تاریخ شکنجه: تاریخ کشتار و آزار در ایران، تهران: گستره.
- خانتی، محمد(۱۳۷۸ش)، آیین و اندیشه در دام خود کامگی، تهران: طرح نو.
- خواندمیر، غیاث الدین بن همام الدین(۲۵۳۵ش)، دستورالوزرا، به کوشش سعید نفیسی، تهران: اقبال.
- دورانت، ویل(۱۳۷۲ش)، تاریخ تمدن: مشرق زمین گاهواره تمدن، ترجمه احمد آرام و دیگران، تهران: شرکت سهامی انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی.

- دینوری، ابن قتبه (۱۳۸۸ش)، امامت و سیاست، ترجمه ناصر طباطبائی، تهران: ققنوس.
- ذهبي، شمس الدین محمد (۱۴۱۳ق)، تاریخ الإسلام و وفیات المشاهیر والأعلام، به کوشش عمر عبدالسلام تدمیری، بیروت: دارالکتب العربی.
- ——— (۱۴۰۴ق)، سیر اعلام البتلاء، به کوشش بشار عواد معروف، بیروت: دارالکتب العلمیه.
- رامپوری، غیاث الدین محمد [بی‌تا]، غیاث اللغات، به کوشش محمد دیبر سیاقی، تهران: کانون معرفت.
- راوندی، مرتضی (۱۳۷۸ش)، تاریخ اجتماعی ایران، تهران: نگاه.
- راوندی، نجم الدین (۱۳۶۶ش)، راحة الصدور و آية السرور، به کوشش محمداقبال و مجتبی مینوی، تهران: امیرکبیر.
- ریاحی، محمدامین (۱۳۷۲ش)، تاریخ خوی، تهران: توسع.
- زریاب خوبی، عباس (۱۳۷۵ش)، «ابن فورک» دائرة المعارف بزرگ اسلامی، ج ۴، تهران: مرکز دائمۀ المعارف بزرگ اسلامی، صص ۴۲۲-۴۱۷.
- سبکی، تاج الدین ابونصر (۱۹۶۴م)، طبقات الشافعیة الکبیری، به کوشش محمود محمد طناحی و عبدالفتاح حلو، قاهره: مطبعة فیصل عیسی بابی حلبي و دار الكتب العربية.
- سمعانی، عبدالکریم (۱۳۹۵ق)، التجییر فی المعجم الکبیر، به کوشش منیره ناجی سالم، بغداد: رئاسة دیوان الأوقاف.
- شبانکارهای، محمدبن علی (۱۳۸۱ش)، مجمع الأنساب، به کوشش میرهاشم محدث، تهران: امیرکبیر.
- شفیعی کدکنی، محمدرضا (۱۳۷۶ش)، شالف)، تعلیقات بر اسرار التوحید، ن. ک: ابن منور.
- ——— (۱۳۷۶ش، ش ب)، مقدمه بر اسرار التوحید، ن. ک: ابن منور.
- شیر، ادی (۱۳۸۶ش)، واژه‌های فارسی عربی شده، ترجمه سید حمید طبیسان، تهران: امیرکبیر.
- صفا، ذبیح الله (۱۳۷۱ش)، تاریخ ادبیات در ایران، تهران: فردوس.
- صلاحی، جاوید (۱۳۸۶ش)، کفرشناسی و دیدگاه‌های جدید، تهران: میزان.
- طوosi، نظام الملک (۱۳۸۷ش)، سیاست‌نامه، به کوشش هیو برتدار ک، تهران: علمی و فرهنگی.
- عتبی، ابونصر محمد (۱۴۲۴ق)، الیمنی، به کوشش احسان ذوالنون سامری، بیروت: دارالطیعه.
- عمید، حسن (۱۳۷۴ش)، فرهنگ عمیق، تهران: امیرکبیر.
- غزالی، ابو حامد (۱۳۸۰ش)، کیمیای سعادت، به کوشش حسین خدیو جم، تهران: علمی و فرهنگی.
- فخر مدبر، محمدبن منصور (۱۳۶۴ش)، آداب الحرب والشجاعه، به کوشش احمد سهیلی خوانساری، تهران: اقبال.
- فروزانی، ابوالقاسم (۱۳۸۶ش)، غزنویان از پیدایش تا فروپاشی، تهران: سمت.
- فوکو، میشل (۱۳۸۷ش)، مراقبت و تنبیه: تولد زندان، ترجمه نیکو سرخوش و افسین جهاندیده، تهران: نی.
- فیاض، علی اکبر (۱۳۸۰ش)، تاریخ اسلام، تهران: مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
- فقیهی، علی اصغر (۱۳۷۳ش)، چگونگی فرمانروایی عضله‌الدوله دیلمی و بررسی اوضاع ایران در زمان

- آل بویه، تهران: پرتو.
- قائدان، اصغر(۱۳۸۲ش)، سازماندهی و سازمان رزم و تحولات آن در تاریخ اسلام از آغاز تا پایان عصر عباسی، تهران: دانشگاه امام حسین.
- قزوینی، عبدالجلیل(۱۳۵۸ش)، *النقض، بعض مثالب النواصب فی نقض بعض فضائح الرؤافض*، به کوشش جلال الدین محمدث، تهران: انجمن آثار ملی.
- قلقشندي، ابوالعباس(۱۹۱۲م)، *صحیح الأعشی فی صناعة الإنشاء*، قاهره: المطبعة الأميرية.
- قمی، نجم الدین ابورجا(۱۳۶۳ش)، *تاریخ الوزرا*، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
- کردی، امید عثمان(۱۳۹۴ش)، *کنکاشی فقهی و حقوقی در مجازات اعدام*، ترجمه سید هاشم موسوی آبگرم، تهران: احسان.
- کریستین سن، آرتور(۱۳۸۸ش)، ایران در زمان ساسانیان، ترجمه رشید یاسمی، تهران: صدای معاصر.
- کلانتری، کیومرث(۱۳۷۵ش)، *اصول قانونی بودن جرایم و مجازاتها*، بابلس: دانشگاه مازندران.
- کمال الدین حلمی، احمد(۱۳۸۷ش)، *دولت سلجوقیان*، ترجمه عبدالله ناصری طاهری، تهران: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- گردیزی، ابوسعید عبدالحی(۱۳۶۳ش)، *زین الأخبار*، به کوشش عبدالحی حبیبی، تهران: دنیای کتاب.
- گیدنز، آنتونی(۱۳۷۹ش)، *جامعه‌شناسی، ترجمه منوچهر صبوری*، تهران: نی.
- ماری کربس، ژان(۱۳۹۵ش)، *مروری بر تاریخ مجازات اعدام*، ترجمه رضا ناصحی، واشنگتن: بنیاد عبدالرحمان برومند.
- مافروخی اصفهانی، فضل بن سعد(۱۳۸۵ش)، *محاسن اصفهان*، ترجمه حسین بن محمد آوی، به کوشش عباس اقبال آشتیانی، اصفهان: سازمان فرهنگی تاریخی شهرداری.
- مجھول المؤلف (۱۳۸۱ش)، *تاریخ سیستان*، به کوشش محمد تقی بهار، تهران: معین.
- ——— [بی‌نا]، *مجمل التواریخ والقصص*، به کوشش ملک الشعرا بهار و بهجت رمضانی، تهران: کلالة خاور.
- مستوفی، حمد الله(۱۳۸۷ش)، *تاریخ گزیده*، به کوشش عبدالحسین نوابی، تهران: امیر کبیر.
- مشکور، محمد جواد(۱۳۴۹ش)، «ترکان غز و مهاجرت ایشان به ایران»، *بررسی‌های تاریخی*، ش ۲۸، صص ۱۱۷-۱۴۲.
- معین، محمد(۱۳۸۶ش)، *فرهنگ معین*، تهران: ادنا.
- میران، ژاک(۱۳۵۳ش)، «شکنجه از قدیمی‌ترین پدیده‌های تاریخ بشر است»، *ترجمه هادی خراسانی، وحید*، ش ۱۲۶، صص ۱۹۵-۲۰۱.
- نخجوانی، محمد بن هندو شاه(۲۵۳۵ش)، *صحاح الفرس*، به کوشش عبدالعلی طاعتی، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.

- نراقی، حسن(۱۳۴۵ش)،*تاریخ اجتماعی کاشان*، تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات سیاسی.
- نظام حسینی یزدی، محمدبن محمد(۱۳۸۸ش)،*العارضه فی الحکایة السّلجوقيه*، به کوشش مریم میرشمسی، تهران: بنیاد موقوفات دکتر افشار.
- نفیسی، سعید[بی‌تا]، پیرامون تاریخ بیهقی، تهران: کتابفروشی فروغی.
- نوروال، موریس و دیوید روتمن(۱۳۹۰ش)،*سرگذشت زندان؛ روش مجازات در جامعه غرب*، ترجمه پرتو اشراق، تهران: ناهید.
- نیشابوری، ظهیرالدین(۱۳۹۰ش)،*سلجوق‌نامه*، به کوشش اسماعیل افشار و محمود منافی، تهران: اساطیر.
- همایی، جلال الدین[بی‌تا]،*غزالی‌نامه*، تهران: کتابفروشی فروغی.
- همدانی، رشیدالدین فضل الله(۱۳۸۶ش)،*جامع التواریخ(تاریخ آل سلجوقد)*، به کوشش محمد روشن، تهران: میراث مکنوب.
- ----- (۱۳۸۷ش)،*جامع التواریخ، اسماعیلیان*، به کوشش محمد روشن، تهران: میراث مکنوب.

